

گرامی باد سالروز قیام و سیاهکل

صفحه ۳

مبازه برای انقلاب یا امید واهی به استحاله و فرم

معمولًا چنین است که در پی هر چرخشی در اوضاع سیاسی، بیویه هنگامی که تتبیق های سیاسی غیرمنتظره ای به وقوع می پیوندد، در طی نیروهایی که خود را چپ و سوسیالیست می نامند بروخ سردرگمی ها و ابهامات بروز می کند و پاره ای از عناصر و اثبات رسانده است.

صفحه ۵

تک ویاتک سیاسی جناح های هیئت حاکمه

نبرد قدرت میان جناح های رقیب هیئت حاکمه با شدت وحدت ادامه دارد. جناح هایی که اکنون دردو گروه انتلاقی، رودروری یکلیک قرار گرفته اند، با بکارگیری تاکتیک های مختلف، از جمله تاکتیکهای تعریضی و تدافعی، میکوشند رقیب خود را عقب نشینی و ادارند و به اهداف مقاصد خود جامه عمل پوشند.

بعد این کشمکش ها تابدان حد پیش رفته و شکل عربان وعلنی بخود گرفته که دیگر، جناح های درگیر نشنهای قادر به انکار وکتمان آن نیستند بلکه مطبوعات وابسته خود را تربیهن های علنی برای کویین جناح های رقیب پیشبرد موضع و سیاستهای جناحی خود تبدیل کرده اند. این مسئله پس از مصاحبه خاتمی با تلویزیون CNN بعد جلید ویسابقه ای بخود گرفت. واقعیت امر این است که خاتمی همانگونه که در زمینه سیاستهای داخلی خواهان پیشبرد یک خط تاکتیکی متمایز از جناح رقیب است، در زمینه سیاست خارجی نیز خواستار پیشبرد سیاست و تاکتیکی جلید متمایز از تاکتیکها و خط مشی پیشین رژیم میباشد. این تغییر مستلزم تحولاتی در مناسبات بین المللی رژیم و از جمله مسئله مناسبات جمهوری اسلامی با امپریالیسم آمریکا و حل مناقشات میان این دو دولت است. یعنی اگر از دیدگاه خاتمی و حامیان او، شکستن بن بست رژیم وظاهرا رهایی آن از مخصوصه بحرانهای موجود، سیاستها و تاکتیکهای جلیدی رامی طلب، این تغییر نیتواند در عرصه داخلی محدود بماند و در عرصه سیاست خارجی همان روای گذشته ادامه یابد. بالعکس آنها معتقدند که این تغییر باید هر دو عرصه داخلی و خارجی را دربر گیرد و هیچ دلیل منطقی هم درقطع مناسبات سیاسی و دیپلماتیک دو دولت سرمایه داری ایران و آمریکا و ادامه تشنج در مناسبات این دولتها نمی بینند. این راگوهی از حامیان خاتمی صریح ویرخ پوشیده و ضمنی مطرح میکنند. بیویه این مسئله برای آنها از آن رو حائز اهمیت است که پیشبرد سیاستهای داخلی و حل معضلات خود را باین مسئله مرتبط میدانند.

مصاحبه خاتمی با CNN ویام او به مردم آمریکا نیز هدفی جز پیشبرد همین سیاست را دنبال نیکرد. او

صفحه ۴



صفحه ۱۳

۱۰	در این شماره
۱۶	جاگاه جنبش دانشجوئی در مبارزه با حکومت استبداد
۱۱	خبری از ایران
۹ و ۴	اخبار کارگری جهان
۱۵	اطلاعیه های سازمان
۲	اطلاعیه های مشترک
۸	بازگان، بوش، خامنه ای و مسئولیت اکثریت در حفظ و دفاع از قلم موجود
	از میان نشریات
	کنگره راه کارگر صحت تاکتیک تحریم را تأیید کرد اما ؟

اعتراض

۵ هزار کارگر

گروه صنعتی ملی ← ۴

تک ویاچ سیاسی ۰۰۰

خیلی خوب بود. من دعا کردم هم ایشان را هم وزیر خارجه را و مستولین دیگر را که مواضع خوبی گرفتند. دراین زمینه یک چیزهایی هم ممکن است مربوط به سلاطیش باشد، مربوط به لحن هیاشد، به آنها کاری نمایم. وبعد هم ظاهرا در تایید!! سخنان خاتمی گفت: «منذاکره با آمریکا هیچ فایده ای برای ملت ایران ندارد و چنین مذکور، وابطه ای برای ملت ایران ضرر دارد». بدین طبق او نه تنها عجاجاتا مسئله رامختومه اعلام کرد، بلکه خاتمی را که خواستار رخنه دریبور اولین بی اعتمادی بود، دربرابر یک عمل انجام شده قرارداد و از آن فراتر، او ناگیر شد زیر فشار جناح رقیب دریک سخنرانی دیگر شدیدا به آمریکا حمله کند، و مواضعی تندتر از رهبر خود بگیرد. البته اگر دراین زمینه شخص خاتمی کوتاه آمد و با زیر فشار جناح رقیب مجبور شد کوتاه آید، به این معنا نیست که این مسئله پایان یافته و یا جناح هایی که حامی خاتمی هستند، نیز در مرور این مسئله کوتاه آمد و عقب نشسته اند. برای برخی جناح ها از جمله جناح باصطلاح کارگزاران سازندگی و جوگران بورژوائی حول وحش آنها، مسئله مناسبات با آمریکا بویژه از زایده حل معضلات اقتصادی رژیم حائز اهمیتی چیزی است. لذا هم اکنون نیز این جوگران مستقیم و غیرمستقیم از برقراری مناسبات دفاع میکنند. جوگران بورژوائی موسوم به طرفداران خط امام، از جمله مجتمع روحا نیون و مجاهدین انقلاب اسلامی نیز از زایده پیشبرد مواضع خود در مقابل رقیب، خواهان این مناسبات اند. برای آنها مسئله «مبازه ضد امپریالیستی» و «ضد آمریکائی» تابعی از مسئله قدرت و حاکمیت خود آنهاست. از نظر آنها مبارزه ضد امپریالیستی که در جای خود جز یک مشت شعار و ادعا چیز دیگری از جانب آنها نبود، هنگامی معنا داشت که مسئله تشییت حاکمیت جمهوری اسلامی، سرکوب جنبش کارگری و سرکوب کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی مطرح بود. امروز دیگر حتی برخی از سران حکومت نیز این حقیقت را که سازمان مادرهمان ایام برملا کرد، افشاء کرده اند که ماجراهی تسریخ سفارت آمریکا و گروگانگری هدف دیگری جز سرکوب جنبش چپ و تحقیق مردم نداشت. در حقیقت این تاکتیکی برای سرکوب دشمنان آشنا نیز نیز امپریالیسم یعنی کارگران و کمونیستها بود که مبارزه علیه امپریالیسم را از مبارزه علیه مناسبات سرمایه داری و مبارزه برای برابرکنن نظم طبقاتی سرمایه داری جدا نمیاند.

لذا اکنون این ضد امپریالیستهای خط امامی دیروزی، رسالت این «مبازه ضد امپریالیستی» و «ضد آمریکائی» را پیلان یافته میانند و خواهان برقراری مناسبات هستند، ویرای اینکه شکل باصطلاح آبرومندانه ای به حل این مسئله بدنه و در عین حال مخالفت جناح رقیب را خوش کنند و از آن تاکتیکی برای تضعیف قدرت آن بسازند، خودشان مستقیما شعار برقراری مناسبات را نیز دهند بلکه رفراندوم ریش کشیده اند.

درحالیکه این قضیه روابط با آمریکا اکنون ظاهرا آرام گرفته، اما پیلان نگفته است، جبهه های دیگری کشده شده است. مراسم سالگرد بازرگان به عرصه دیگری برای زورآزمائی جناههای رقیب تبدیل گردید.

خاتمی برای اینکه حرف خود را عاملی سازد و به کسانی که التراجم عملی خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام کرده اند اجازه نفس کشیدن در حکومت اسلامی را بدهد، به سران نهضت آزادی اجازه داد که مراسم سالگرد

خاتمی بهمراه داشت، به عاملی برای تشیید تضادهای جناح های رقیب تبدیل گردید و درگیری های لفظی علني و تهدید کننده آنها جلو انداخت. جناح رقیب دری لین مصاحبه، موقعیت رایرا یک تعرض گسترده مناسب دید. تپیخانه تبلیغاتی خود را به جلو صحنه راند و مطبوعات وابسته به این جناح از جمله کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی به عربان ترین شکل ممکن رئیس جمهور را به ریگار انتقادی بس غیر معمول بستند. دراین میان بی پواتر از همه، جمهوری اسلامی بود. این روزنامه که در حقیقت سخنگوی مستقیم تر شخص خامنه ای محسوب میشود در ۲۰ دی ماه در مقاله ای تحت عنوان «نقده بر مصاحبه رئیس جمهور» خاتمی را مورد حمله قرار داد و گفت: «رئیس جمهور همه چیز را گفت جز آنچه که باید میگفت». و چنین افزود: برخی از سخنان رئیس جمهور (اظهارات نادرستی است که مبنای فکری حرکت ها و جهان بینی انقلاب اسلامی را هم مخلوش کرده ویه زیر سوال میبرد). این روزنامه در پایان مقاله از «اصحابان فکر» و «اهل نظر» خواست این مصاحبه را به تقد بکشد و از صداوسیما دعوت بعمل آورد که این نظرات مخالف را منعکس سازد.

چند روزی بعد از این مقاله، همین روزنامه در مقاله فوق العاده شلید اللحن دیگری تحت عنوان «حاصل گفتوگو با آمریکائیها چیست؟» چنین نوشت: «مصالحه گزارشگر کارکشته CNN با رئیس جمهور محترم ما به یک محاکمه بیشتر شباخت داشت» («رئیس جمهور ایران در خانه خودش به چالشی فراخوانده شده که در حقیقت باید عکس آنرا مشاهده میکردیم. در مصاحبه روز پنجم شنبه جای متهم و مدافع عوض شده بود»).

روزنامه رئیس جمهور ایران روز پیلپی سرمقاله های خود را به محکوم کردن پیام خاتمی اختصاص داد، شدیلیتین روزنامه میگردید: «در مقاله مفصل تمام این مصاحبه را زیر سوال برداشتم و همچنان مدعوت بعمل آورد که این میگردید؟ پیام چیست؟ خاتمی در جواب میگردید: «جهه ای که از اسلام نشان داده شد، بدن اینکه من بخواهم کسی را متمهم بکنم، چهره نادرستی بود». اسلام اعلام کرده است که «روابط میان ملت هایلاید براساس منطق واحترام متقابل باشد. این اسلام دشمن هیچ ملتی نیست. دشمن هیچ دینی نیست. خواستار گفتوگو، تفاهم و صلح با همه ملت هاست». (در مردم گروگانگری که گفتید، بند میلائم که احساسات ملت بزرگ آمریکا بخاطر این قضیه جریحه دارشد و من متأسفم از این امر) «بنده هم مثلا در میانه آتش زدن پرچم به هیچوجه با آنچه که باعث جریحه دارشدن احساسات ملت ورمز و نمونه ملت یک کشور باشد مواقن نیست که این کار شود. تأثیج که میدام رهبر معظم انقلاب و مسئولان بالاهم راضی نیستند». این پاسخ ها باندازه کافی قانع کننده هستند که مصالحه گر CNN سوال کند «ایدنهایت آماده اید با دولت آمریکا بشنیدن و درخصوص مسائلی که امشب مطرح نمودید و شمارا از یکیگر جدا میسازد، صحبت کید؟»

خاتمی در این مردم صریح حرف رامیزند و میگردید: «در میانه روابطه سیاسی باید منجر به قطع رابطه شد است در نظر گرفت». (دراین دیوار بند بی اعتمادی اولا باید رخنه ای در آن لیجاد شود تازمینه برای تغیر وضعیت و مطالعه دروضعیت جدید پیش بیلید). و از همین روست که وی ایجاد رخنه «دراین دیوار بند» را با طبقه گسترش مناسبات فرهنگی مطرح میسازد.

پیام خاتمی را قدرتهای بزرگ جهانی از جمله امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی گرفتند، «واقع گرانی» و «دریت سیاسی» خاتمی راستوند و حمایت خود را از سیاستهای اسلام نمودند. چندروز بعدهم شخص کلیتون به بهانه عید فطر پیام متقابلی برای خاتمی فرستاد و گفت: «مللم بگویم که ایالات متحده از جدائی که بین آمریکا و ایران اتفاق داشت، «مالخلاقانی واقعی با برخی از سیاستهای ایران داریم، اما من معتقدم که این اختلافات غیر قابل حل نیستند». و بالاخره لبراز این میلواری نمود که میان دو کشور روابط حسنی ای برقرارشود.

این مصاحبه که جلب حمایت قدرتهای بین المللی را

گرامی باد سالروز قیام و سیاهکل

کارگران و زحمتکشان! روشنهای اتفاقی!

بهمن ماه و توام با آن، سالروز قیام و سیاهکل فرا رسیده است.

۱۹ بهمن سالروز حمله آفرینی فدائیان در سیاهکل، سالروز بنیانگذاری سازمان ما و ۲۲ بهمن سالروز قیام فهرمانانه و افتخار آفرین توده مردم ایران علیه رژیم سلطنتی شاه، به عنوان دو رویداد بر جسته درزنده مبارزاتی مردم ایران، همواره از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده وینا به نقش واهیتی که درزنده سیاسی و مبارزاتی توده مردم داشته اند، پیوسته بر تجارت و درسیاه آنها تاکید ویژه ای شده است.

این تاکید، امسال از آنرو اهمیت بیشتری می یابد که در ایران یکرته وقایع ورویداهای سیاسی در جریان است و توده مردم در ادامه تحریبات سیاسی و مبارزاتی گنشته خود، تجربه دیگر را از سرمیگذرانند. مستله از این قرار است که ۱۹ سال پس از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و نتایج فاجعه باری که این حکومت در عرصه های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به بار آورده است، و به هنگامی که ورشکستگی سیاسی و اخلاقی حکومت و تمام سیاستهای آن بهمگان آشکار شده است، برخی از جناهای درونی هیئت حاکمه که پی به ورشکستگی تام و تمام این حکومت و سیاستهای آن برده اند، با ادعاهای وعده های پر طمطاط باصطلاح آزادیخواهی و با ادعای مخالفت با اختناق و سرکوبگریهای هیئت حاکمه یا صحیح تر، جناح مسلط آن وارد عرصه شده و میکوشند خود را اتفاقه جدا باقته از دیگر جناهای حکومت معرفی کنند و مردم را به بهبود اوضاع در چارچوب نظام متقاعد سازند.

البته برکسی پوشیده نیست که این مدعیان باصطلاح آزادی بدون استثناء همان کسانی هستند که از آغاز بنیانگذاری جمهوری اسلامی در پیشبرد تمام سیاستهای ارجاعی و جنایات آن نقش داشته و حالا تازه هنگامی به یاد «آزادی» و «مبازه بالاختناق و قشیرگی» افتدند اند که کوس رسوایی حکومت اسلامی در همه جا به صدا در آمدند است. کارگران و زحمتکشان ایران در بهمن ۵۷، بخاطر آزادی و دمکراسی و رفاه اجتماعی، بخاطر رهائی از قید اختناق و سرکوب، ستم و استثمار به قیام مسلحانه علیه رژیم شاه دست زدند.

آری! توده مردم ایران با قیام و انقلاب، رژیم شاه را سرنگون کردند، با این امید که برپرایانه های حکومت سلطنتی یعنی حکومت ستیگران و استثمارگران، حکومتی از خود بنا کنند، اما متأسفانه سطح نازل آگاهی توده مردم و علم تشکل کارگران و زحمتکشان باعث شد که مرجعیت امثال خمینی رهبری خود را بر جنبش تحمیل کنند، و اکثریت مردم نیز آن را پنیزند. با این وجود گذشت مدتی کوتاه از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی کافی بود تا توده مردم پی به ماهیت کشف و ارجاعی جمهوری اسلامی بپرند. با استقرار جمهوری اسلامی نه فقط هیچیک از خواستهای انتلایی مردم تحقق نیافت بلکه بالعکس در همه عرصه ها سیری قهقهائی طی شد و اوضاع مدلوما رو به وخامت بیشتر گذاشت. تداوم بحران، خرابی روز افزون اوضاع اقتصادی و پیشبرد سیاستهای فوق ارجاعی از جانب رژیم باعث گردید که وضع معیشتی مردم به درجه ای و خیم شود که پیش از این کم سبقه بوده است. اکنون ۱۹ سال پس از استقرار جمهوری اسلامی، حتی سران حکومت نیز اعتراف میکنند که اکثریت بسیار عظیم مردم ایران، زیر خط فقر قرار گرفته اند.

در عرصه سیاسی نیز مაصل ۱۹ سال حاکمیت چیز دیگری جز سرکوب، اختناق، سلب آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم، تبعیض هولناک و بی حقوقی زنان، شکنجه های وحشیانه، زدنیهای قرون وسطانی و اعلام های بی رحمانه، نبوده است.

پر واضح است که این وضعیت غیر قابل تحمل اقتصادی و سیاسی مبایستی الزاما مردم را به عرصه مبارزه آشکار و رودرزو با حکومت سوق دهد و عمل اوضاع در همین جهت پیش رفت. دیگری که در چند سال اخیر، مردم ایران حتی به اشکال مبارزه قهر آمیز علیه حکومت روی آورده و آشکارا نشان دادند که مسیر سرنگونی حکومت را در پیش گرفته اند.

پرسیتر بحران های اقتصادی و سیاسی حکومت واین رشد و اعتلاء مبارزات مردم، شکافها و اختلافات درونی جناهای هیئت حاکمه تشید شد و گروهی به شکست و ورشکستگی سیاستهای رژیم اعتراف نمودند. این گروه از جناهای درونی هیئت حاکمه نه تنها تلاش نمودند خود را از فجایع و جنایات این حکومت در ۱۹ سال گذشته مجزا ساخته و تبرئه نمایند بلکه کوشیده اند با شعارهای «آزادیخواهانه» یا رژیم برومیج جنبش سور شده تا شاید بینظری عمر این رژیم را طولانی تر کرده و در پیشین حالت آنرا از مخصوصه بحران موجود نجات دهند. خاتمی نمایند این گرایش در درون دستگاه حکومت است که از حمایت طیفی از جناهای طرفدار حکومت اسلامی برخوردار است.

اما سؤال این است که این آقای خاتمی یعنی کسی که خود سالها در مشاغل حساس از جمله وزارت ارشاد در خدمت نظام جمهوری اسلامی و سیاستهای آن بوده است، کسی که سالها وظیفه سانسورچی دستگاه حکومتی را بر عهده داشته و امروز از «آزادی» و «حرمت انسانی» وغیره و ذالک سخن میگوید، چه میخواهد وجه میتواند بکند؟

برهمگان روش است که وی در عرصه اقتصادی سوای برنامه اقتصادی رفستجانی و سیاست اقتصادی او که همانا سیاست انحصارات بزرگ بین المللی است، برنامه و سیاست دیگری ندارد. این سیاست همانگونه که در عمل هم دیده ایم دست سرمایه داران بخش خصوصی را برای استثمار بی رحمانه کارگران و بچاپ بچاپ بی حد و حصر باز میگذارد و میخواهد با تحمیل فشار به توده کارگر و زحمتکش بحران اقتصادی را حل کند. دیده ایم که این سیاست طی چند سال گذشته چه فجایعی به بار آورده است. توده عظیم مردم ایران اکنون حتی با چند نوبت کارکردن ، حتی با ۱۶ ساعت جان کنن نمیتواند حد اقل معیشت خود را تأمین کنند. با این همه، امروزه دیگر خیلی ها از درون دستگاه حکومت نیز اعتراف میکنند که این برنامه با شکست روپرورد شده است. حالا خاتمی میخواهد همین برنامه ضد کارگری و ضد خلقی اقتصادی را که امتحانش راهم پس داده و شکستش را اعلام نموده و مردم را به روز سیاه نشاند است، ادامه دهد.

در عرصه سیاسی چه؟ با توجه به آنچه که پیش از این گفته شد، روش است که پس از شکستهای پی در پی حکومت برغم تمام سرکوبگری و بگیر و بند آن، خاتمی نه میتواند ونه میخواهد عینا سیاست گذشته را ادامه دهد. او خواهان کاستن از فشار بی حلو حصر حکومت بر مردم در چارچوب حکومت اسلامی، قوانین، ضوابط و معیارهای آن، از جمله در مورد زنان و جوانان، و مداخله کمتر دستگاه پلیسی - بوروکراتیک درزنده خصوص افراد جامعه است. او خواستار آزادیهای سیاسی محدود، در چارچوب جمهوری اسلامی برای طرفداران حکومت اسلامی است. اما وی مطلقا و به جوهر خواهان آزادی سیاسی کامل، برسیت شناختن حقوقی برای توده زحمتکش مردم نیست والبته نمیتواند باشد. چرا؟ باین دلیل ساده که او پاسدار نظام سرمایه داری حاکم بر ایران است. او ملک منافع طبقه سرمایه دار است. او طرفدار حکومت اسلامی است ویک طرفدار حکومت اسلامی نمیتواند طرفدار آزادی و دمکراسی باشد. کسی به دمکراسی و آزادی معتقد است که حق حاکمیت مردم را می پنیرد ونه سیستم ولایت فقیه را. کسی میتواند به آزادی

سیاسی معتقد باشد که مقلم بر هرچیز از جدائی کامل دین و دولت دفاع کند و نه این که مدافعانه کند. کسی میتواند به حقوق دمکراتیک مردم معتقد باشد که از جمله صریح و آشکار از برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع کند. حق ملل تحت ستم را درست نوشته خود پیشیرد وغیره اما درهمان محلوده ای که وی حرفش رامیزند وادعایش را دارد چه؟ این هم در عمل بیش نزفته است . چرا؟ میگویند جناح دیگر مانع است. قدرت درست جناح دیگر است. ارتش، سپاه، نیروهای انتظامی، بسیج، دادگاهها، زندانها وغیره وذالک از جناح دیگر فرمان میبرند. تحت رهبری خامنه ای هستند. درهمنین جا دست امثال خاتمی و طوفداران او رو میشود. نمیشود هم طوفدار ولایت قیمه ، تلفیق دین و دولت و حکومت اسلامی بود وهم بر اختیارات ولی فقیه، بر انحصار قدرت، بر نقش روحانیت وغیره خرده گرفت.

لذا بن بست موجود و ناتوانی های خاتمی نشان میدهد که اگر قرار باشد حتی کمترین گامی در راه اجرای خواستهای مردم برداشته شود، قبل از آن باید جمهوری اسلامی، ولی فقیه، ودر یک کلام کلیت رژیم را سرنگون کرد. توده مردم ایران جز از طریق سرنگونی تام و تمام حکومت و استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان به خواستهای خود نخواهد رسید.

سازمان ما از هنگام به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، ماهیت ارجاعی این حکومت را به همگان نشان داد، به مبارزه خود علیه این حکومت ارجاعی برمغم تمام کشتارها و سرکوبهای ادامه داد، وامرور نیز در بیست و هفتین سالگرد بنیانگذاری سازمان، بار دیگر کارگران و زحمتکشان را مورد خطاب قرار داده و از سرنگونی تام و تمام جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان دفاع میکند. تنها این حکومت است که پیگیرتین دمکراسی را برای توده مردم ایران به ارمغان خواهد آورد. تنها این حکومت است که کامل ترین ، وسیع ترین و گسترده ترین آزادیهای سیاسی را برسیت خواهد شناخت. تنها این حکومت است که هرچه فوری تر مطالبات رفاهی عمومی را به مرحله عمل در خواهد آورد. و بالاخره همین حکومت است که در ادامه حرکت و پیشروی خود، جامعه ای سوسیالیستی راپی خواهد افکند که استثمار وطبقات را برخواهد انداخت و جامعه ای بلوں طبقات ، متشكل از انسانهای حقیقتا آزاد ویرابر را جایگین آن خواهد ساخت.

ما در سالروز قیام وسیاهکل کارگران و زحمتکشان و روشنفرکاران انقلابی را به تشیید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی فرا میخوانیم

سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش

اعتراض ده هزار کارگر گروه صنعتی ملی

کارگران کلیه کارخانه های گروه صنعتی ملی دست به اعتراض زدند. از ۱۲ روز پیش کارگران کارخانه های چکمه ملی، کفش صنعتی ۱ ، کفش صنعتی ۲ ، کفش پویا، کفش فارس، کفش آزاد، کفش شاهد، چرم آزر، کپیکال و تعدادی دیگر از کارخانه ها دست از کارکشیده بودند. دیروز چهارشنبه، کارگران شرکت سپاهانی ملی نیز به اعتراض پیوستند. درحالی که همه شواهد حاکی است که کلیه کارگران گروه صنعتی دراعتراض بسر میبرند، منبع دولتی اعلام نمودند که ۷ هزار تن از مجموع ده هزار کارگر گروه صنعتی ملی در اعتراض بسر میبرند.

کارگران ضمن اعتراض به اقدامات ضد کارگری کارفرمایان، خواهان افزایش دستمزدها، پرداخت دستمزدهای معوقه، واکذاری وام به کارگران ویرخی اقدامات رفاهی دیگر هستند. روز یکشنبه نماینده اداره کار کرج به محل گروه صنعتی رفت و به کارگران و عده افزایش ضریب حقوقی را داد. اما کارگران به عده های او توجهی نکردن و خواستار تحقق تمام مطالبات خود شدند.

مدیران گروه صنعتی که از چند روز پیش برخی از کارخانه های گروه را تعطیل آینده تعطیل کنند. علیرغم تمام این اقدامات سرکوبگرانه ، کارگران به مبارزه خود ادامه میبخندند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اقدامات ارجاعی کارفرمایان و مدیریت راعلیه کارگران شدیام حکوم میکنند و خواهان تحقق هرچه فوری ترمطالبات رفاهی و دمکراتیک کارگران میباشد.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶/۱۱/۲

تازه توین اقدام سرکوبگرانه حکومت اسلامی

جمهوری اسلامی، اقدامات سرکوبگرانه علیه مخالفین سیاسی را تشیید میکند و به شکلی علنی تر و آشکارتر حقوق دمکراتیک مردم را زیر پا میگذارد. تازه توین نمونه این اقدامات، بخششامه امروز دستگاه قضائی حکومت اسلامی است. روز دوشنبه ۲۲ دی ماه، یزدی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی طی بخششامه ای از قضات خولست، از اعلام اسامی و مشخصات افراد متهم قبل از محاکمه و اثبات جرم و قطعی شدن حکم صادر شد خود داری کنند. ظاهرا این اقلام به بهانه و با توجیه «اصل برانت» و «ممونعیت هتك حرمت و حیثیت» افراد صورت گرفته است، اما در حقیقت امر، این اقدامات سیاسی و آشکارا ضد دمکراتیک بمنظور تشیید اقدامات سرکوبگرانه علیه اپوزیسیون حکومت است.

سran حکومت اسلامی با این اقلام میخواهند از این پس هر مخالف سیاسی را دستگیر کنند بدین این که موظف به اعلام خبر آن باشند. البته تاکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی مگر در موارد استثنائی از اعلام اسامی متهمین سیاسی و حتی افرادی را که بهمین اتهام اعلام نموده، خود داری کرده است. معهداً اکنون میخواهد به این اقلام ضد دمکراتیک که مکرر منجر به اعتراضات داخلی و بین المللی علیه حکومت شده است، جنبه رسمی و قانونی بدهد و دستگیری و بازداشت مخالفین سیاسی خود را کاملاً مسکوت بگذرد.

این اقلام حکومت بیانگر لین واقعیت است که جمهوری اسلامی در تدارک تشیید اقدامات سرکوبگرانه نه فقط علیه مخالفین جای خود، بلکه علیه مخالفین اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی نیز میباشد. اخبار جسته و گزخته حاکی است که سران حکومت در حال پرونده ساری برای تعدادی از افراد ولیسته به اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی حکومت اند و در همین راستا قرار است در همین هفتنه حبیب الله پیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز نیز محاکمه شود. ما این اقدامات سرکوبگرانه حکومت را که رسمیت دادن علنی و آشکار به تخطیه و پایمال کردن حقوق دمکراتیک مردم است محکوم میکنیم، و آنرا وسیله ای برای تشیید اقدامات سرکوبگرانه حکومت میدانیم.

سازمان فدائیان (اقلیت)

۷۶/۱۰/۲۲

مبارزه برای انقلاب یا امید واهی به استحاله و رفرم

یک سازمان کمونیست خواهان دگرگونی بنیادی و ریشه ای نظم سرمایه داری هستیم و طبیعی است که هر جیران کمونیست، به عنوان حزب طرفدار انقلاب اجتماعی و دگرگونی های بنیادی عمل کند. چرا که خواستهای توود مردم و توده زحمتکشان هنگامی کاملاً برآورده خواهد شد که قدرت تماماً در دست کارگران و زحمتکشان قرار گیرد و یک حکومت شورائی برقرار شود. اما آیا این بدان معناست که ما، رفرم یعنی اصلاحات در چارچوب نظم موجود را برای بهبود وضع زحمتکشان نهی می کنیم؟ بهبود چه؟

ما کمونیستها، برخلاف آثارشیستهای مبارزه برای رفرم را بکلی نهی می کنند، مبارزه برای رفرم، مبارزه برای انجام اقامتات اصلاحی در چارچوب نظم موجود، تا آنچنانی که گامی به جلوست، در خدمت بسط و تکامل مبارزه طبقاتی است، در خدمت بهبود بخشیدن به وضع طبقه کارگر و تحکیم مواضع اوتست و خلاصه کلام مبارزه برای تصحیر مواضعی هر چند جزئی را می پذیریم، اما با این نگرش که نیروی محركه واقعی تاریخ مبارزه طبقاتی است و نه همکاری و وحدت عوامل، با این نگرش که رفرم محصول فرعی این مبارزه طبقاتی است، با این نگرش که رفرم باید در خدمت تقویت مواضع طبقه کارگر برای حمله به ارتجاج و نظم موجود و کسب پیروزی کامل باشد. با این نگرش که منافع اساسی و عمومی پرولتاریا تحت هیچ شرایطی نباید فنای منافع لحظه ای، ریشه و خاص آن شود و هدف نهایی به فراموشی سپرده شود. علاوه بر این باید همواره خصلت دوگانه رفرم را از یاد نبرد و در نظر داشت که بورژوازی از آن رو رفرم را می پنیرد و امتیازاتی می بندد، که می خواهد موقعیت خود را مستحکم تر سازد، آگاهی طبقاتی پرولتاریا را زائل نماید، نیروی آنرا منقسم سازد، از حدت مبارزه طبقاتی پرولتاریا بکاهد و این مبارزه طبقاتی را کم دامنه، ضعیف و بی اثر سازد.

به قول آموزگارما، لینین، اگر پرولتاریا از هر شکاف و هر تضعیف رثیم، از هر امتیاز کوچک و بزرگ استفاده می کند تا این که به مبارزه توده ای گستردۀ تر، مصمم تر و حادتری دست بزند، بورژوازی از آن رو به رفرم متولّ می شود تا این مبارزه را تدریجاً آرام کند. آنرا تضعیف نماید و بخشکاند تا برآهداش سایه بیافکند و اشکال اش را ملانم سازد. (مبارزه برای قدرت و «مبارزه برای امتیازات») - لینین)

پس، این رفرمی که ما از آن سخن می گوییم، متمایز از آنچیزی است که رفرمیست از آن دفاع می کند. رفرمیست، مسئلله انقلاب اجتماعی، کسب قدرت و مبارزه طبقاتی را بعنوان نیروی محركه تاریخ و ترقی کنار می گذارد. رفرمیست، رفرم را که وسیله است به هدف تبییل می کند و هدف اساسی را به طاق نسیان می سپارد، کلام قصار برینشتن که می گفت، جنبش همه چیز است و هدف هیچ، بیان این رفرمیسم بود.

رفرمیسم که در حقیقت فریب بورژوازی کارگران است، مستقیم و غیر مستقیم اهداف و فعالیتهای طبقه کارگر را به کسب رفرم، یعنی انجام اصلاحاتی در چارچوب

همایت و پشتیبانی از یک رژیم فوق ارتجاجی به نام جمهوری اسلامی را در پیش گرفته است. این گروه کرچه در زمرة استحاله چیان علنی و مدافعان علنی لاقل بک جناح از حکومت در شرایط جیلیند، اما تها گروه نیستند. گروه دیگری هم وجود دارند که استحاله چی شرمنگین هستند. اینان برخلاف گروه اول ظاهرا معتقد نیستند که می بایستی در انتخابات شرکت کرد و به نفع خاتمی وارد معركة شد، اما معتقدند که اولاً باید از جناح های لیبرال و رفرمیست حمایت و پشتیبانی کرد و ثانیاً باید از شرایط موجود بعنوان فعالیت علنی استفاده کرد. اصل قضیه را که دنبال کنیم می بینیم که منظور آنها از جناح های لیبرال و رفرمیست کس دیگری جز خاتمی و حامیان او نیست، و استفاده از شرایط علنی نیز نام رمزی برای بیان استحاله لیبرالی حکومت است. چرا که جمهوری اسلامی باید تا بیان حد مسیر استحاله لیبرالی را طی کرده باشد و به موازین مثلاً دمکراسی بورژوازی گردن بگذارد که شلید به چپ ها نیز اجازه فعالیت علنی بدهد. و حقیقتاً عبرت آمیز و تماثلی است که این دستجات استحاله چی علنی و پوشیده، در زمرة آن دسته از نیروهای طیف چپ هستند که تا همین دیروز قرار بود، از همین فردا کمونیسم و سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا را در ایران پیاده کنند و حالا اتفاقاً اتفاقاً نشان این شده که از جناح کمتر ارتجاجی در برابر جناح بیشتر ارتجاجی دفاع کنند، ای از لیبرالها و رفرمیستها حمایت کنند. لین واقعیات نشان می دهد که اگر این گووها، امروز، همانند حزب توده و اکثریت مفترض و رسو و بلنم نیستند، صرفاً از آن روزت که هیچگاه در موقعیت آنها قرار نگرفته تا خودی نشان دهنند، و در برابر هسگان این واقعیت را آشکار سازند که اگر امکان باشد، آنها نیز همانند حزب توده و اکثریت شناگران قبلی هستندو در رفرمیسم چیزی از آنها کم ندارند.

در چنین اوضاعی وظیفه ما به عنوان کمونیستهایی که از یک خط مشی حقیقتاً انقلابی دفاع می کنیم، این است که بیرحمانه و سرسختانه علیه این گرایش پرورتیستی - رفرمیستی که دارد سر بلند می کند، مبارزه کمیم و نشان دهیم که وظیفه همه نیروهای انقلابی در وضعیت کنونی نه دفاع و حمایت از این یا آن جناح هیئت حاکمه، نه توهمند پراکنی در مورد استحاله لیبرالی حکومت و امیلوار کردن مردم به رفرم بلکه مبارزه برای سرنگونی کلیت رثیم و تلاش برای بیانی انتقال است. در چارچوب انجام چنین وظیفه ایست که باید این مسئلله بار دیگر برسی کردد که آیا اصولاً جمهوری اسلامی ظرفیت یک استحاله لیبرالی را دارد؟ آیا چیزی به اسم رفرم در اوضاع کنونی وجود دارد و یا میتواند عملی کردد و بالاخره آیا اکنون ما در دوران تلاش برای بیانی انتقال از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم، یا راه دیگری جز تن دادن به رفرم و کسب هستیم؟ قبل از برسی این مسائل لازم است مقدمتاً مسئلله دیگری را مورد برسی قرار دهیم و آن مقوله است.

ما حزب طرفدار انقلاب اجتماعی هستیم، ما به عنوان

در ایران، پس از رسوایی سیاسی «اکثریت» و حزب توده در جیران پشتیبانی و حمایت آنها از رژیم ارتجاجی جمهوری اسلامی، ظاهرا چنین بنظر می رسید که لاقل تا هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است، دیگر کسی توهیمی به آن ناشانه باشد و خیال پشتیبانی و همکاری با این رژیم و یا یکی از جناحهای آن به سرش نزند. اما چنین بنظر میرسد که این هم نوعی خوش خیالی بوده و مسائل مربوط به مبارزه طبقات و منافع طبقات، بیش از آن تعیین کننده است که عوامل دیگر بتوانند حیطه تاثیر آنها را محدود سازند. لین حقیقت را جیران انتخابات دوم خرد که به قدرت رسین خاتمی و جناح او را در بی داشت به خوبی بر ملا ساخت و نشان داد که تصور میشد حاصل از لین انتخابات، بیش از آنچه که تصویری از جناحهای لیبرالی در صفو نیروهای اپوزیسیون رژیم بر جای گذاشت، و حیطه عمل اش به جیران اپوزیسیون بورژوازی و یا عناصر مردد و متزلزل و برباد محدود نشده بلکه دامن اپوزیسیون چپ و لفتابی را نیز گرفته است. تا بدانجا که گویا برای یک بخش از چپ، اصلاً ماهیت جمهوری اسلامی و جناح های آن به فراموشی سپرده شده است تا چه رسد به رسوایی سیاسی که حزب توده و اکثریت در همکاری خود با جمهوری اسلامی به بار آورند.

حالا دیگر مساله اصلاً این نیست که گروهی از جیران خالصاً بورژوازی و یا سوسیال- رفرمیست، به استحاله لیبرالی رژیم جمهوری اسلامی باور داشته باشد و یا آنرا تبلیغ کنند. بلکه متأسفانه مسئله از این قرار است که طیفی از نیروهای باصطلاح چپ و سوسیالیست، نه تنها استحاله چی شده بلکه عمل اعلام شعار همکاری با رژیم ارتجاجی جمهوری اسلامی را سر می بینند. گروهی از این استحاله چیان که راست ترین جیران دون رین این طیف باصطلاح چپ هستند، و در جیران تحولات اخیر مواضعی حتی راست تر و ارتجاجی تر از حزب توده اتخاذ نمودند، از این که خودشان یا سازمانشان انتخابات را تحریم نمودند، اطهار ندامت کرده و مدعی هستند که می بایستی در انتخابات شرکت کردو از مردم خواست که به خاتمی رای دهند. روشن است که امتداد این تفکر می باشد که از جناح از حکومت، یعنی از خاتمی و جناح او حمایت و پشتیبانی به عمل آور. چرا؟ به همان دلیل که این حضرات، فرست طلب، نام و رفرمیست، مسئله شرکت در انتخابات و حمایت از خاتمی را مطرح می کنند. یعنی اگر در جیران انتخابات برای مقابله با جناح دیگر، برای شکست جناح ارتجاجی تر می بایستی از یک جناح ارتجاجی دیگر حمایت کرد، اکنون نیز باید در ادامه این نبرد و رقبات به حمایت و پشتیبانی از خاتمی ادامه داد تا بر جناح دیگر پیروزی قطعی بدلست آورد. می بینیم که اگر زمانی اکثریت و حزب توده، با توجیه حمایت از نیروهای «ضد امپریالیست» با ارتجاج اسلامی همسلت شدند و مشترکاً جنبش انقلابی مردم ایران را سرکوب نمودند، حالا در شرایط دیگر، در اوضاع و احوال بیگری، گروهی دیگر با توجیه مقابله با جیران بیشتر ارتجاجی و ایضاً عنوان کردن «آزادی خواهی»، مرتتعین اسلام گرا، سیاست

مبارزه برای امید واهی به استحاله و رفرم

منهی را نفی نکند، کسی که جلائی دین از دولت را پنیزد، اهل رفرم و اصلاح نیست. بحث که به اینجا میرسد، فرست طلبان رفرمیست می‌گویند که ما بالاخره در این اوضاع باید بین بد و بدتر و بین شر کمتر و بیشتر یکی را انتخاب کنیم و برای تحقق مطالبات جزئی و کوچک تلاش کنیم و نه خواستهای بزرگ غیر قابل حصول. آنها می‌گویند که باید بین جناح خامنه‌ای و خاتمه‌یکی را برگزیند. این هم از نمونه همان مباحث و استدلالهای تبیک رفرمیستها در سراسر جهان بوده و هست.

به قول لینین لینان می‌گویند: «مالاید انتخاب کنیم - بین شر موجود و شر کمتر یکی را برگزینیم» «این است استدلال اساسی و نمونه وار تمام اپورتینیستهای سراسر جهان». آنها برای توجیه خودشان می‌گویند: «به یکباره نمیتوان به چیزهای بزرگ دست یافت. ما باید برای چیزهای کوچک اما دست یافتنی مبارزه کنیم ما نباید خیال پرداز باشیم و در پی چیزهای بزرگ بکردیم. ما باید سیاستمداران اهل عمل باشیم. ما باید خواهان مطالبات مربوط به چیزهای کوچک باشیم و این چیزهای کوچک، مبارزه برای چیزهای بزرگ را تسهیل خواهد کرد.» این استدلالها الزاماً به کدام نتیجه کمی می‌انجامد؟ «به این نتیجه گیری که ما به برناهه انتقامی، حزب انتقامی و تاکتیکهای انتقامی نیازی نداریم، آنچه که ما به آن نیاز داریم اصلاحات اند و نه چیزی بیش از آنها» (یکبار دیگر در باره کاینده دوماً - لینین)

رفرمیستها ایرانی هم، امروز همین باصطلاح استدلال ها را تکرار می‌کنند و دیگران را هم به رفرمیست دعوت می‌کنند. اما پاسخ ما این است که رفرم پیش کش شما باد. ما راه انتقال را در پیش خواهیم گرفت. شما بار دیگر سرشکسته، فردا ناگیری به اعتراض می‌شید که این رژیم طرفیت استحاله پنیری لیبرالی را هم ندارد. البته رفرمیستها امید و آرزویشان خاتمی است، همانگونه که نشان داده شده برای تحقق انتقال، برای تحقق نه فقط مطالبات فروی و عمومی، بلکه برای تحقق مطالبات اساسی تر طبقه کارگر، تلاش و مبارزه خواهیم کرد. وظیفه ما مبارزه برای انتقال است و فراخواندن توده ها به انتقال و وظیفه خیر شما چیز دیگری نیست جز، ایجاد امید واهی به استحاله و رفرم.

سرنگونی حکومت بیشتر آماده کرد و آنها را به بپایانی انتقال فراخواند. یعنی در پاسخ به این سوال اساسی که اکنون آیا باید مردم را به سرنگونی حکومت و امر انتقال فراخواند و تدارک آنرا دید و یا برای اصلاح و امتیاز مبارزه کرد؟ پاسخ ما انتقال است. در این شرایط کسی که در پی رفرم است، یا مردم را به رفرم و امتیاز در چارچوب نظم موجود امیلوار می‌سازد، یک رفرمیست است که کاری جز خدمت به طبقات حاکمه نمی‌کند.

اما از این مسئله اساسی و بنیادی که بگذریم، سوال دیگر این است که اگر به فرض شرایط مناسب هم برای انتقال شرایط و زمان خاص خود را دارد، طبقه کارگر و رحمتکشان همیشه و تحت هر شرایطی دست به انتقال نمی‌زنند، از این رو در دورانی که شرایط برای سرنگونی حکومت و نظم موجود فراهم نیست، در دورانی که طبقه کارگر به انتقال بزنخاسته و آمادگی انتقال را ندارد، نمیتوان دست روی دست گذاشت و به انتظار نشست. در این شرایط بناگیری باید امیاتازی هرچند جزئی از بورژوازی گرفت، آن را به عقب نشینی و دادر نمود، مجبورش ساخت که برخی اصلاحات را پینید و

پاسخ ما این است: کسی به استحاله لیبرالی حکومت‌اسلامی و اعطای رفرم و امتیاز از سوی آن معتقدباشد، نشان داده است که کمترین شناختی از حکومتمنهبی بطور عام و رژیم مذهبی جمهوری اسلامی بطور خاص ندارد. حکومت منهبی حتی نمیتواند با مطالبات بورژوا - دمکراتیک مردم، و با مطالبات رفاهی محدود در چارچوب نظم موجود کنار بیاید و آشتبی کند. حکومت منهبی حاکم بر ایران راهی جز این ندارد که سلطه استبدادی ولی فقیه را پینیرد. راهی جز این ندارد که آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را از آنها سلب نماید. راهی جز این ندارد که حقق انسانی زنان را لگد مال کند و بزنابربری صحه بگذارد، راهی پهلوی جووجه در ذات و ماهیت حکومت منهبی اسلامی نیست که مثلاً پارلمان‌تراسیم بورژوازی را پینیرد. لذا پر واضح است و تجربه هم آنرا نشان داده که این رژیم طرفیت استحاله پنیری لیبرالی را هم ندارد. البته رفرمیستها امید و آرزویشان خاتمی است، همانگونه که تا چندین سال پیش رفسنجانی بود. اما مگر خاتمی فرار است به مردم امیاتازی بدهد و یا رفرمی به نفع آنها انجام دهد؟ در زمینه اقتصادی و شرایط مادی و معیشتی، او دستش کاملاً خالی است، نه تنها چیزی برای دادن ندارد، بلکه تازه می‌خواهد چیزهایی هم بگیرد. در زمینه آزادی های سیاسی هم، او هرگز نگفته است که آزادی را برای طرفداران حکومت منهبی، در محدوده ای آزادی را برای طرفداران حکومت منهبی، برای کسانی که التزم عملی شان را به قانون اساسی و ولی فقیه نشان دهند، میخواهد و بس.

او علی رغم تبلیغاتی هم که داشته، حتی برای زنان هم چیزی نداشته و ندارد و اصولاً نمیتواند داشته باشد. طرفدار حکومت اسلامی، طرفدار حکومت منهبی، طرفدار سیستم ولایت فقیه نه تنها نمی‌تواند حتی برای حقوقی و صوری زن و مرد را پینیرد، بلکه حتی نمیتواند چیزی، در حد یک آزادی پوشش را برای زنان پینیرد.

رفرمیستها بیهوده تلاش میکنند، از او یک اصلاح طلب بتراشند، کسی که به عنوان نخستین کام دولت

نظم موجود محدود می‌کند. رفرمیسم تئوری وحدت عناصر متضاد، تئوری سازش طبقات را بجای تئوری سوسیالیستی مبارزه طبقات می‌نده و عده می‌دهد که خواستهای پرولتاریا تدربیجاً و از طریق اصلاحات در چارچوب نظم موجود تحقیق خواهد یافت. رفرمیسم خطی بزرگ برای جنبش طبقاتی کارگران است که کمیستها پیوسته باید علیه آن پیشکار کنند.

اکنون این سوال پیش می‌آید که با توجه به خطراتی که رفرم برای طبقه کارگر، و امر انتقال میتواند داشته باشد، چرا اصولاً باید آنرا پنیرفت؟ پاسخ این است که انتقال شرایط و زمان خاص خود را دارد. طبقه کارگر و رحمتکشان همیشه و تحت هر شرایطی دست به انتقال نمی‌زنند، از این رو در دورانی که شرایط برای سرنگونی حکومت و نظم موجود فراهم نیست، در دورانی که طبقه کارگر به انتقال بزنخاسته و آمادگی انتقال را ندارد، نمیتوان دست روی دست گذاشت و به انتظار نشست. در این شرایط بناگیری باید امیاتازی هرچند جزئی از بورژوازی گرفت، آن را به عقب نشینی و دادر نمود، مجبورش ساخت که برخی اصلاحات را پینید و غیره.

در بطن این مبارزه و این امتیاز است که میتوان طبقه کارگر را برای انتقال و سرنگونی نظم موجود آماده ساخت، درست همانطور که در شرایط غیر انتقامی، در شرایطی که طبقه کارگر آمادگی انتقال را ندارد، فراخواندن طبقه کارگر به انتقال بی معنا و اقامتی ماجراجویانه است، در شرایط دیگر یعنی هنگامی که طبقه کارگر آماده سرنگونی نظم موجود است و شرایط برای این سرنگونی وجود دارد، شعار رفرم را مطرح کردن، خیانت به طبقه کارگر، و اهداف و آرمانهای آن است.

از همین جا میتوانیم وارد بحث اصلی مان که مربوط به ایران است بشویم. اولاً این سوال در اینجا مطرح است که آیا اکنون در ایران با توجه به مجموع اوضاع باید برای سرنگونی و کسب قدرت توسط کارگران و رحمتکشان تلاش نمود یا گرفتن امتیاز و رفرم و ثانیاً سوال دیگر این است که آیا میتوان از این رژیم توقع رفرم و امتیاز را داشت؟

در پاسخ به سوال نخست باید گفت که تمام شواهد موجود نشان می‌دهد که رژیم جمهوری اسلامی درگیر یک بحران همه جانبه است. در عرصه اقتصادی با یک بحران و خیم و شرایط مادی و معیشتی اسف بار توهه رحمتکش روبرو هستیم، از نظر سیاسی، نارضایتی مردم به اوج خود رسیده و این نارضایتی در اشکال مختلف مبارزه توهه ای و در نفرت و اتزجار مردم از هیئت حاکمه خود را نشان داده است. در همین حال، در نتیجه بحران و بن بستهای حکومتی شکاف در بالا، در میان جناحهای حاکم عمیق تر شده و تضاد میان آنها نیز فوق العاده حاد شده است.

این که رژیم دیگر نمیتواند به شیوه گذشته حکومت کند، به واقعیتی آنچنان عربان و آشکار تبدیل شده که حتی گوهی از درون خود هیبت حاکمه نیز به آن اعتراض می‌کند. در این شرایط باید توهه مردم را برای



بازرگان ، بوش ، خامنه ای

و مسئولیت اکثریت در حفظ و دفاع از نظم موجود

از میان فشایات

چیست و اولیای جامعه روحانیت کدام اند و چگونه باید «رهبری» را تصدیق کنند بنابراین! این موضوعات بماند برای همان کسانی که راه حل معضلات و مسائل جامعه را در «سنت شیعه» به تعیین رهبری حکومت جستجو کرده و میخواهند با گمارده شدن آخوند دیگری بجای خامنه ای در رهبری حکومت اسلامی، خصلت دینی و استبدادی رژیم ولایت فقیه را (نم تر) کنند و خلاصه از این طریق جامعه را از استبداد به دمکراسی گذار دهند! ورتفتن به چنین مقولاتی مطمئناً برای چنین کسانی پر جذبه است و میتواند مشغولیت های بی پایانی بریتان فراهم سازد. معهناً از این حضرات متخصصین امور دینی و شیعه شناسی و محققین تاریخ شیعه و سنن آن باید پرسید اگر آمیم و (اولیای شریعت و جامعه روحانیت) نه خامنه ای بلکه «کسی» راکه «اعلمیت» هم داشته باشد (مثلاً منتظری یا نمیلان فلان آیت الله دیگر که سلیقه «طبیگی» اش هم زیاد است و «مرجع» است وغیره وغیره است!) (تصدیق) کردن آنوقت تکلیف چیست؟ (اولیای شریعت و جامعه روحانیت) اگر آملنده و همین فردا مثلاً گفتند آقای آذری قمی! او وارد تصدیق و تائید کردند، آنوقت تکلیف چیست؟ تکلیف رژیم ولایت فقیه چه میشود؟ حضرات اکثریتی که قبل از این نیز هم درگذشتار و هم توشاشان به الحان متفاوت نشان داده اند که مسئله اصلی آنها نه تمامیت رژیم حاکم که همانا ولایت مطلقه شخص خامنه ای است، درین جای نیز بار دیگر همان موضوع را تکرار میکنند. پاسخ رهبری اکثریت بپایه مضمون همین نامه سرگشاده آقایان این است که همه مردم باید با وی (بیعت) «کنند و تابع اوابر وی باشند!

واقعیت آن است که کسی به این شیوه بحث با یک مستبد و رهبر یک حکومت فوق ارتاجاعی روی می آورد و به گفتگو و نامه نگاری می پردازد که تصمیم گرفته است در دهل حکومت به هر نحو ممکن و به هر حیله رهی پیا کند! و گزنه چه حاجتی است به این همه مجیز گوئی و پریت و پلای نویسی که حتی صدای تحریره ایگان مرکزی این سازمان راهنم درآورده است؟ موضوع تا بنان حد رسوا کننده و آش آنقدر شوریود که کنکه اخیر (پنجم) سازمان اکثریت نیز صدور چنین نامه ای را تادرست خواند. این درست است که مسئله حفظ نظام حاکم برای رهبری اکثریت، مسئله ای مهم و حیاتی است، اما عقب ماندگی و آستان بویس هم حد و اندازه ای دارد؟! شورای مرکزی اکثریت ثابت کرد که درین زمینه نه فقط از اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی رژیم، که حتی از روزنامه سلام ویخت هایی که این روزنامه حکومتی درین مورد مطرح کرده و میکند، چه به لحاظ لحن و کلام و چه از نظر خود بحث، بسیار عقب تراست و نامه سرگشاده رهبری اکثریت در مقایسه با ادبیات سیاسی این بخش اپوزیسیون، آشکارا به عنف بیشتری آلوه است.

رژیم خون ریز ولایت فقیه که آوازه کشتار و سرکوبیگری آن عالم را پر کرده است، حکومتی که آشکارا دین و دولت را در هم ادغام کرده و پیاسدار عمیق ترین تبعیضات و نابرابریهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، رژیمی که دو دهه شیره جان مردم راکشیده است و جز سرکوب و فقر ارمغانی برای مردم نداشته و جامعه را در اتمامی ابعاد به قهقهه سوق داده است، حکومت سراسر متناقضی که بیست سال است در تضادهای داخلی خود دست و پا میزند و هم اکنون آخرین روزهای حیات خویش را میگذراند، و قاخت و دریگزی غیر قابل اندازه ای میخواهد کسی پیا شود خواهان لقاء چنین رژیمی باشد و هم خود را ماصروف اصلاح آن واصلاح دستگاه دین و روحانیت کند و مسئله راققط در تعیین رهبری لین حکومت خلاصه نماید! بعد هم باب گفتگو با رهبر آن را باز کند و در مجامعت کردنش به کناره گیری، از لحن و کلامی خوش آیند و موردن پسند «مراجع» و «آیات» («عظم» استفاده کند و ضمن تعريف و تمجید از «شیعه» و «سنت») های آن، با صدور حکمی در مردم مرجعیت شیعه، برتمامی جنایات روحانیت شیعه و مراجع آن و نیز دستگاه دین و رهبری آن، سریوش نهاد!

واما مسئله فقط و قاخت بیش از اندازه نیست واکرهم باشد، خود ناشی از یک رشته منافع معین طبقاتی است. درست است که شورای مرکزی اکثریت درنامه

←

(شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)) در تاریخ شانزدهم آذرماه (نامه سرگشاده) ای «به آقای خامنه ای»، «مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران» نوشته است. این نامه که در شماره ۱۷۳ ارگان مرکزی این سازمان نیز بچاپ رسیده است، به روشنی از تدام نلاشهای این جیان برای نجات نظم حاکم و جمهوری اسلامی حکایت میکند. نوشتن نامه سرگشاده بخودی خود البته موضوع قابل ایرادی نیست، اینکه اما نامه به چه کسی وبا چه لحن و زبانی واز اینهم مهمنتر درجه موقعیت وبا کلام هدف و منظوری نوشته شود، این ها فاکتورهای مهمی هستند که هرجیان سیاسی ولو پخمۀ ای هم حتی آنرا درنظر میگیرد. اگر جریانی درست توده مردم، درست کارگران و زحمتکشان ایستاده باشد، روش است که در همه حال، چه در لحن و کلام و چه اهانت و موقعیت، منفعت آنها و منفعت انقلابشان را مدد نظر قرار دهد. سازمان اکثریت نه اینکه جیان سیاسی پخمۀ ای باشد، اما از آنجا که درست دیگر و در مقابل انقلاب لیستاده است، پس تشخیص آن از موقعیت، لحن و کلام و خلاصه هدف و منظورش هم باقیست با همین مکانی که در آن ایستاده است مطابقت داشته باشد. چنین است که میبینیم خامنه ای - وظایمی که وی در راسش قرار دارد - آنهم درست در لحظه هاوشاپی که به یکی از منفورترین چهره ها و شخصیت های رژیم تبدیل شده تا آنجا که حتی تنفس پاره ای ازادگان و نیروهای وابسته به رژیم رانیز برانگیخته است و موقعیتش بیش از هر وقت دیگر تزلزل افتاده و شکننده شده است و درست هنگامیکه تضادهای درونی رژیم تشلیل شده و بحران سیاسی جمهوری اسلامی بمراحل بسیار حادی فرا رونیده است، مورد خطاب شورای مرکزی اکثریت قرار دارد. میبینیم درست در لحظه هاوشاپی که شده سازشکار درنامه سرگشاده اش به کمک سران رژیم می شتابد. شورای مرکزی اکثریت با لحن دوستانه و نیت خیر خواهانه ای درنامه خود از آقای خامنه ای میخواهد از زوروکوب دست بردارد و چنانچه بر مسئله رهبری حکومت اسلامی اصرار دارد، این موضوع را به (رای آزادانه)! عمومی بگذارد. ب رغم این، شورای مرکزی اکثریت تلاش زیادی بکار میبرد تا آقای خامنه ای را به کناره گیری از رهبری قانع نموده او را چنین نصیحت میکند که (شما هنوز میتوانید با لین مردم از درصلاح درآیند) و (باقی ایام عمر را درهیمن مرز ویوم برای تحقق لید آل های شریعت خود هزینه کنید!!)

شورای رهبری اکثریت، درنامه سرگشاده اش به آقای خامنه ای، (نیت) های خیر خواهانه خویش از این پند و انتزهای اقتاعی و مصلحت جویی را پنهان نمیکند سهی است که با هزار ایما و اشاره سخی میکند به آقای خامنه ای والبته سایر دست اندکاران حکومت اسلامی بفهماند که اجتناب از این مسئله، بحران سیاسی را در تشیید میکند و این موضوع را که در تشیید بحران سیاسی منافع نظام اسلامی بخط میافتد خیلی دوستانه و دورانیشانه به آنها هشدار میهد. رهبری سازمان اکثریت، بحث های اقتاعی و مصلحت خواهانه خود با آقای خامنه ای را لازم مباحث حوزوی و از آنچا شروع میکند که رهبر حکومت اسلامی را به (سنت شیعه) در تعیین رهبری مذهبی توجه دهد. شورای مرکزی اکثریت درنامه سرگشاده اش مینویسد:

(تعیین رهبری مذهبی درست شیعه مبتنی بوده است بر اعلمیت، به تصدیق اولیای شریعت و جامعه روحانیت) و بعد از یاد آوری (سنت شیعه) در تعیین رهبری، چنین اضافه میکند (در طول تاریخ شیعه نمونه ای وجود ندارد که به ضرب وزیر و . . . دیسیسه . . . زندان، اعدام کسی موق شده باشد به مقام رهبری مذهبی تکیه زند و در راس دستگاه دین قرار گیرد)!

(تعیین رهبری مذهبی درست شیعه مبتنی بوده است بر اعلمیت به تصدیق اولیا شریعت و جامعه روحانیت)!!! کسی نیست از این حضرات سوال کند شما اعضاء شورای رهبری یک سازمان سیاسی هستید یا اعضاء مجلس خبرگان تعیین رهبری؟! از قرار معلوم آقایان اکثریت خامنه ای راقد صلاحیت (رهبری) میدانند و (ولایت) وی را قبول ندارند! چرا؟ چون مبتنی بر (اعلمیت) نیست و (اولیای شریعت و جامعه روحانیت) آنرا (تصدیق) نکرده اند! اینکه اعلمیت

مرکزی اکثریت بفکر نامه نگاری می‌افتد و آقای خامنه‌ای دستگاه حاکمه را به این مسائل توجه و هشدار میدهد! شورای مرکزی اکثریت که گویا صدای پای انتقال را زودتر از رهبران حکومت اسلامی شنیده است، از هم اکنون به دست و با افتاده است تا هر طورشده رژیم حاکم را از بحران نجات دهد و جلو انتقال را بگیرد. تادر حفظ و دفاع از مناسبات ونظم موجود، نقش ورسالت خویش رایفا کرده باشد. چنین هشدارهای البته منحصر به سازمان اکثریت وشورای مرکزی آن نیست. سایر مدافعین نظام حاکم نیز چپ و راست به رژیم هشدار میدهند و عواقب غیر قابل پیش‌بینی و خطرناک ناشی از انفجار نارضایتی توده ای را به سران حکومت گوشود میکنند.

بنابراین نامه سرگشاده، شورای مرکزی اکثریت به آقای خامنه‌ای، - همانند نامه اکثریت به بازرگان و نامه به جناب بوش - نه از روی تصادف وبا بد فهمی و پیغمگی، که منطبق بر جایگاه و ماهیت طبقاتی اینین جریان شاذگار است. سازمان اکثریت در میان سایر گروهیان بورژوازی و جزوی از یک گروایش معین طبقاتی است که از نظم موجود دفاع میکند و در برای حل انتقالی بحران سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی و مشکلات و مضطربات جامعه، ایستاده است. رهبری اکثریت هر کس را که به تشخیص او بتواند سنگی در راه انتقال بیاندازد و یاجلو آن را بگیرد، هر کس را که به تشخیص او در حفظ مناسبات ونظم موجود، نقش داشته باشد و موثر واقع گردد، نه فقط برابر نامه سرگشاده مینویسد، بلکه حاضر است دستش راهم ببوسد. خواه بازرگان و بوش باشند، خواه خامنه‌ای!

سرگشاده اش میخواهد هر طورشده به آقای خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ثابت کند که اکثریت صرفا از روی حسن نیت و برای مصلحت نظام این نامه را نگاشته و درکل، خیر و صلاح شخص وی را تایز آزد میکند، اما واقعیت این است که این منافع تاحلوی بهم گره خورده است و اکثریت خود نیز خواهان ابقاء این نظام است. درقبال حفظ آن خود رامسئول دانسته و از گونه رژیم را مغایر منافع خویش میداند. شورای مرکزی اکثریت در همان آغاز نامه سرگشاده اش به صراحت به این مستله اشاره میکند و مینویسد «آقای خامنه‌ای! پیش‌بینی و خامت بیشتر اوضاع کشور در آینده تزدیک در اثر بحرانی که در روزها و هفته‌های اخیر نظام جمهوری اسلامی را درمی‌نوردد، شورای مرکزی سازمان فناخان ایران (اکثریت) را بر آن داشته است . . . بنا به حساسیت اوضاع و مستولیتی که بر عهده دارد، هشدار دهیم که از سوق کشور به سوی شما را طی لین نامه خطاب قرار داده هشدار دهیم که از سوق کشور به سوی فاجعه دست برداید!» (تاکیه‌ها از ماست)

حقیقتا که از این واضح ترمیش سازمان اکثریت مسئولیت خویش را در رهاندن جمهوری اسلامی از بحران و برای حفظ نظم موجود فرمول بندی کند. بحران تشیید میشود و میرود تا تمام نظام جمهوری اسلامی را درنوردد، اوضاع کشور به و خامت بیشتری کشیده میشود وضعیت بسیار حساس است و جامعه دارد به انفجار تزدیک میشود. نایاب دست روی داشت و برای جلو گیری از این انفجار، پیش از آنکه دیگر خیلی دیر شده باشد، باید چاره ای اندیشید و از اینجاست که شورای

کنگره راه کارگر صحت تحریم را تأیید کرد اما؟!

وتاکیدات متنوعی وجود داشت» اما نه به این تحلیل و تعبیرها ونه به ملاحظات و تاکیدات متنوع مربوطه هیچگونه اشاره ای نکرده است و از آنجا که بحث های پیش کنگره راه کارگر برخلاف روال گشته انتشار علنی نیافر است، از لین رو طول و عرض تفاوت این تحلیل و تعبیرها بکلی نا روشن است. بهر حال از آنجا که در تنظیم سند، میباشیستی این تنوع تحلیل و تعبیر از حرکت اعتراضی واجزاء آن در نظر گرفته شود وقطعاً نظر همه رای دهنگان (اتفاق آراء) را تامین کند، لاجم این قطعنامه، قطعنامه ای کلی و لو طولانی از کار درآمد است.

در زمانه تاکیک های منتج از این ارزیابی نیز اگر چه به وجود پاره ای ملاحظات و تاکیدات اشاره شده است و درین مورد نیز صحبتی از مضمون وحولهای مخصوص است و دیگر آنقدر ها نمیتواند در محقق ابهام و کلایات باقی بماند، از لینرو میباشیستی صریح تر بیان شود و بیان هم میشود. گزارش کنگره درین مورد نوشتہ است «کنگره تاکیک های منتج از این ارزیابی را نیز در راست این سازمان یابی حرکات و مبارزات توده ای در برای کلیت رژیم با تکیه بر خواسته ای جاری و مستقیم آنان، افشاری خاتمی و مبارزه با میدان گرفتن استحاله طلبان مشخص کرد» (تاکیه‌ها از ماست)

همانطور که ملاحظه میشود، ناروشنی و ضعف موجود در بررسی موضوع اول یعنی ارزیابی از مستله انتخابات، کلی گوئی و پرهیز از تیز شدن روی اختلافات و ملاحظات مربوطه، با قوت موضوع دوم و تاکید روشن بر سازمانیابی حرکات و مبارزات توده ای در برای کلیت رژیم، افشاری خاتمی و مبارزه با استحاله طلبان جبران میشود و این تاکیدات البته که تاکیدات درست و مثبتی است.

باید در نظر داشت که این نتایج بحث هایی است که ظاهرا روی آن توافق نظر وجود داشته است، با این وجود عین همین شیوه وبا تقریباً عین همین شیوه هنگام بررسی موضوع سوم یعنی تاکیک تحریم انتخابات یا شرکت دران که بحث اصلی کنگره روی آن اختلاف نظر هم وجود داشته است نیز تکرار و مشاهده میشود. درینجا هم کنگره راه کارگر تاکیک تحریم انتخابات را درکلیت خود تائید میکند اما هنگام بررسی مشخص انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب خاتمی، کنگره دچار اختلاف نظر میشود و متسافنه اقلیت چشمگیر و قبل توجهی تاکیک تحریم را در کرده و از شرکت دران و رای به خاتمی دفاع میکند. راه کارگر درین مورد نوشتہ است :

«دریخت روی تاکیک تحریم انتخابات یا شرکت دران اتفاق نظر وجود داشت که در رژیم استبدادی بویشه در جمهوری اسلامی که هیچگونه آزادی انتخابات وجود ندارد، سیاست ما علی القاعده باید تحریم انتخابات بمنظر اعتراض به قلابی

سومین کنگره سازمان کارگران اتفاقی ایران (راه کارگر) برگزار گردید. گزارش این کنگره که در شماره ۱۴۸ نشریه راه کارگر بچاپ رسیده است تا خاتمی از آن است که مستله انتخابات ریاست جمهوری و تاکیک تحریم یا شرکت دران، مهمترین بحث این نشست «در مرکز توجه کنگره» بوده است. قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری همانطور که میباشیم راه کارگر از جمله نیروهای بود که این انتخابات را تحریم کرد. معهدها بالاگذاری بعد از پیان این مراسم و انتخاب خاتمی، هیئت اجرائی این سازمان، با صدور بیانیه ای از این موضع علول کرد و تلویحاً شرکت مردم در انتخابات و رای به خاتمی را تائید نمود و خلاصه با این اقدام شتابزده، نمونه دیگری از خصوصیت قلبی و دنباله روانه راه کارگر، همچنین شیفتگی اش به حرکات خودبخودی را به نمایش گذاشت. هیئت اجرائی راه کارگر، همینکه شرکت بالنسیه وسیع مردم در انتخابات و تیجه آن را مشاهده نمود، تعادل خویش را لزست داد و با ذکر اینکه «در کارخیر حاجت هیچ استخاره نیست» ولو هنوز باشیم و خجالت به اظهار پشیمانی پرداخت و به صفحه مخالفین تاکیک تحریم و مدافعین شرکت در انتخابات پیوست.

این موضع گیری آشکارا با موضع تحریم انتخابات که موضع رسمی راه کارگر بود در تناقض قرار داشت. بدنبال این قضیه، محمد رضا شالگونی از نظریه پردازان راه کارگر نیز در مصاحبه ای با نشریه راه کارگر، نه فقط این موضع گیری و نقی شرمگینانه تاکیک تحریم راکه بازتاب گرایش راست درون راه کارگر بود تائید نمود، بلکه بطور صریح واشکاری موضوع شرکت درین انتخابات رانیز پیش کشید و در برخورد به این موضع، عملاً به جهت گیری و موضع جریات راست نظریت تزدیک شد. این موضع گیریها که بحثها و سوالات زیادی را بیرون از راه کارگر برانگیخته بود، در آستانه برگزاری کنگره طبعاً نمیتوانست در درون لین سازمان بلا اثر بوده وی بحث انگیز و سؤال برانگیز نباشد. از اینجاست که انتخابات ریاست جمهوری و تاکیک تحریم یا شرکت دران، به بحث گرهی و مرکزی نشست راه کارگر تبدیل میشود.

طبق گزارش مندرج در نشریه راه کارگر، دریخت مربوط به بررسی اوضاع و تاکیک ها، انتخابات ریاست جمهوری موضوع اصلی و مرکزی است که این بحث در جریان کنگره به سه محور ۱- ارزیابی از اهمیت انتخابات ۲- تاکیک ها منتج از این ارزیابی ۳- تاکیک تحریم انتخابات یا شرکت دران، تقسیم میشود. گزارش اضافه کرده است که در موضوع اول کنگره براین نظر بوده است که این انتخابات متعارف نبوده و شرکت گسترده مردم خصلت اعتراضی داشته است و در همین رابطه است که «کلایات» قطعنامه ای را تحت عنوان «آزادی و سوسیالیسم به سنگری بندی توده ای نیاز دارد» باتفاق آراء تصویب میکند. گزارش با وجود آنکه اشاره کرده است که «در تحلیل و تعبیر این حرکت اعتراضی واجزاء آن ملاحظات

و ضد دمکراتیک رژیم نیست، بلکه توهمند پراکنی حول یکی از طرفداران ولایت فقیه و توصیه به حمایت از یک جناح ارتجاعی حکومتی هم هست. این موضع کیری دریک کلام موضع کاملاً راست روانه ای است که البته عواقب بس خطرناک و ناخوش آیندی هم میتوانست برای راه کارگر دریپی داشته باشد.

حکومت اسلامی در صدد درآمدن از انزوا و تحکیم موقعیت خویش بود درهیمن راستا میخواست از قضیه انتخابات و کشاندن مردم به پای صندوق های رای هم استفاده کند. کمونیست ها و نیروهای چپ انقلابی میباشند از بر ضد تحکیم جمهوری اسلامی و تلاشهایش برای خروج از انزوا مبارزه و فعلیت میکردند. پس موضع تاکتیک مبارزاتی آنها درمورد انتخابات نیز میباشد. با چنین هدفی انطباق مییافت ونه بر عکس. گیریم که مردم هم درین انتخابات شرکت جسته باشد وفرض که نسبت به خاتمه توهمند داشتهند، تاکتیک ما بازهم میباشد نه مبتنی بر اعتماد به خاتمه توهمند آفرینی و لاجرم گمراه کردن توده ها، که متضمن بی اعتمادی به او و ناظر برافرازش دادن آگاهی توده ها می بود و جنبش مبارزه برای سرنگونی رژیم را به جلو میراند. وابن تاکتیک چیز دیگری جز تاکتیک تحريم انتخابات ریاست جمهوری نبود.

در هر حال جای بسی خوشحالی است که کنگره راه کارگر توانست با تصویب قطعنامه ای ولو با اکثریتی ناچیز ۵۵ درصد موافق دربرابر ۴۵ درصد مخالف) صحت تاکتیک تحريم انتخابات ریاست جمهوری را تائید نموده و با دفاع از این موضع کیری، گراش راست رایه عقب براند و راه کارگر را عجالتاً از افتادن به جرگه و موضوع استحاله طلبان و حامیان این یا آن جناح حکومتی نجات دهد. معهدها این موضوع به هیچوجه بسعنای خاتمه یافتن چنین موضعکیری ها و چرخش هائی بوبیشه در دوران های پرتلاطم و تند پیچ های اجتماعی نیست. راست اینست که اقلیت نسبتاً بزرگی (۴۲ درصد) درکنگره راه کارگر از تاکتیک تحريم انتخابات ریاست جمهوری اظهارپیشمانی کرده، به دفاع از شرکت درسیاط رژیم ولایت فقیه برخاست و به خاتمه رای داد! وابن البته زنگ خطری است برای راه کارگر و قبل از هرچیز مبین تقویت و بازتولید یک گراش راست در درون راه کارگر است.

کنگره راه کارگر صحت تاکتیک تحريم انتخابات را تائید کردو از آن بدفاع برخاست اما؟!

اطلاعیه

تشکیلات خارج از کشور سازمان ما طی اطلاعیه ای به تاریخ ۱۱ ژانویه، دستگیری آوارگان کرد و پناهجویان مقیم ترکیه را محکوم کرد.

در بخشی از این اطلاعیه گفته شده است:

سحرگاه امروز یکشنبه ۱۱ ژانویه، نیروهای امنیتی و پلیس ترکیه با حمله به مسافرخانه ها و هتل ها در استانبول، بیش از ۱۳۵ تن را دستگیر نمودند. ۳۰۰ تن از دستگیر شدگان، کرد ترکیه هستند. در میان دستگیر شدگان تعدادی از پناهجویان ایرانی نیز به چشم می خورند که از تعداد دقیق آنها اطلاعی در دست نیست.

....

ما اعمال فشار به آوارگان کرد و پناهجویان ایرانی، و دستگیری آنها را شدیداً محکوم می نمائیم و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی دستگیر شدگان هستیم.

وغیرdemکراتیک بودن آن باشد ویرابن پایه، در صحت سیاست سازمان مبنی بر تحریم انتخابات ریاست جمهوری از لحاظ قاعده کلی حرفی نیست. اما...»

تالینجا وطبق این فرمول بنای، تاکتیک تحريم انتخابات ریاست جمهوری استبدادی خصوصاً جمهوری اسلامی که در آن هیچکونه آزادی انتخابات وجود ندارد، و انتخابات غیر دمکراتیک وقلابی است، البته «علی القاعده» و «از لحاظ قاعده کلی» تاکتیک صحیحی است (اما)! امامورد مشخصی که ما روی آن صحبت میکنیم یعنی تحريم انتخابات هفتین دوره ریاست جمهوری که به انتخاب خاتمی منجر گردید چطور؟ اقلیت بزرگی از راه کارگر با وجود آنکه میگوید در صحت تحریم انتخابات ریاست جمهوری حرفی نیست، میگوید که «اما با توجه به اوضاع مشخص و شرایط استثنائی که در آستانه انتخابات بوجود آمده بود و مردم را به شرکت ودفع نوری برانگیخته بود» پس راه کارگر میبیلیستی «تحريم انتخابات راملفی کرده» در انتخابات شرکت نموده و به خاتمی رای میداد.

این نظریه البته همان نظریه متناقضی بود که حلو و چارچوبهای کلی آن در همان شالگونی باصراحت بیشتری به تائید و دفاع از آن پرداخته بود. تناقض عمیقی که درین نظریه وجود دارد آشکارتر از آن است که نیازی به اثبات ویا توضیح داشته باشد. انتخابات را باید تحريم کرد. چرا؟ چون جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی است، چون آزادی انتخابات وجود ندارد، چون انتخابات آن قلابی وغیر دمکراتیک است. اما همین رژیم استبدادی که در آن آزادی انتخابات هم وجود ندارد اگر خواست برای بارهفتم انتخابات غیر دمکراتیک وقلابی اش را برگزار کند چه باید کرد؟ باید تحريم را ملغی کرد ویه یکی از افزاد وبلسته به رژیم رای داد. پس یکبار باید انتخابات قلابی راتحریم کرد ویکبار هم تحريم انتخابات قلابی را، یعنی باید در آن شرکت کرد وابن یعنی همان تناقض بزرگ.

گرایش راست راه کارگر میگوید على القاعده وار لحاظ قاعده، کلی باید انتخابات ریاست جمهوری راتحریم کرد، ولی بطور مشخص باید در آن شرکت نمود چرا؟ چون مردم به شرکت در آن برانگیخته شده اند! نه راه کارگر ونه هیچ حربان سیاسی دیگر نمیتواند به صرف اینکه مردم در انتخابات شرکت کرده اند ویا با تسلی به این مسئله، صحت تاکتیک تحريم انتخابات ریاست جمهوری رانفی کند الا اینکه خواسته باشد عقب ماندگی و دنباله روی خویش را توجیه کند. چنین کسانی بی آنکه واقعیات عینی مربوط به خصوصیت حکومت اسلامی وهمچنین واقعیات مربوط به قبل از انتخابات ویا در خلال آن را درنظر بگیرند، واز اشاره یک سویه به شرکت مردم در انتخابات، به شرکت خود در انتخابات میرسنواز رای دادن به خاتمه دفاع میکنند، درواقع امر دیدگاه بسیار محلود وکوته بینانه ای از خود به نمایش میگذارند و جالب اینجاست که این محلودیت دید را بلون آنکه بطور واقعی به اوضاع و شرایط مشخص کمترین عنایتی داشته باشد، با تسلی به باصطلاح همین شرایط و اوضاع مشخص توجیه می نمایند.

مسئله این است که در حکومت اسلامی یعنی حکومتی که مشروعیت خودوستگاه های مختلف اعم از دستگاه قانون گزاری واجرایی وامثال آنرا از الله ونماینده اش ولی فقیه میگیرد واز پایه واساس هیچ ارزش واعتباری برای رای ونظر مردم قائل نیست، حکومتی فوق ارجاعی که به هیچ حزب و سازمان مخالفی اجازه فعالیت سیاسی نمیلهد و هیچ نیروی مخالفی اجازه ندارد ونمیتواند بفرض کاندیابی مورود نظر خود را معرفی کرده و دریک رقابت انتخاباتی و لو در چارچوب ضوابط حاکم بر یک رژیم متعارف بورژوائی، شرکت کند و بالآخر حکومتی که شرای نگهبانش درنهایت چهار درواقع دونفر را زمیان مقریین به درگاه ولایت فقیه تعیین کرده است تایکی از آن دو، قوه مجیه را بست گیرد، دریک چنین حکومتی و دریک چنین شرایطی آیا روشن نیست که درینجا اساساً نمیتواند بخشی از انتخابات درمیان باشد.

راه کارگر برانگیختگی مردم در آستانه انتخابات وشرکت آنها رامیبیند، اما معلوم نیست چرا این واقعیات و شرایط مشخص را نادیده گرفته ویرآن چشم فر می بندد و میخواهد درسیاط رژیمی که حتی به طوفاران قانون اساسی و جریانهای لیبرال - منهنجی هم اجازه بارزی کردن در آن رانمیلهد، بازی کند؟! شگفت آور است کسیکه از اوضاع مشخص صحبت میکند چگونه میتواند این واقعیات - و واقعیات دیگری نظیر آن - را ندیده انگاشته و بازی هم از بارزی درسیاط رژیم ولایت فقیه وشرکت در انتخابات آن دفاع کند؟! مگر نه اینست که معنای این موضع کیری تائید انتخاباتی قلابی و ضد دمکراتیک است؟ شرکت در انتخابات ودادن رای به خاتمی، فقط تائید ضوابط ارجاعی

چایگاه جنبش دانشجویی درمبارزه با حکومت استبداد

خویش را بسراع آنها فرستاد تا با اعمال قهر و خشونت هچه فوری تر دانشجویان را سرکوب کند. اقامات خشن و سرسکوگانه اما گسترش حرکت دانشجویان را در پی داشت. دانشجویان با سردادن شعار «مرگ بر استبداد»؛ تنفس خویش از استبداد حاکم و رژیم ولایت فقیه را و دعینی حال خواست آزادیهای سیاسی را که در این شعار تبلور یافته بود، سیان کردند.

جن بش دانشجویی از این خصوصیت برخوردار است و تجربه مبارزات دانشجویی در زمان شاه نیز این موضوع را ثابت می کند که بسرعت رادیکالیزه شده و گرایشی را که بخواهد آن رامحکوم و یا مهار کند، از سرمه خویش بردارد. حرکت اعتراضی اخیر دانشجویان نیز حاکی از همین رادیکالیسم و حاکی از آن است که جنبش دانشجویی در همین راه و در راه استقلال خویش کام نهاده است. در حالیکه تشكل های باصطلاح دانشجویی وابسته به جناح های حکومتی هیچگونه پایگاهی بوسیله در میان عناصر آگاه و نیز توده دانشجو ندارند، جنبش رادیکال دانشجویی اساساً به توده وسیع دانشجویان و عناصر آگاه آن متکی است. وقتیکه یکی از سخنگویان دفتر تحکیم وحدت عنوان می کند دانشجویان خواهان شوراهای دانشجویی هستند، این موضوع قبل از هرچیز نشان دهنده درمانگی وی اعتبرای تام و تمام همه تشكل های دانشجویی وابسته به جناح های حکومتی از جمله همین دفتر تحکیم وحدت در میان دانشجویان خواهد بود. بی اعتباری وی آبروئی تشكل های دانشجویی وابسته به جناح های حکومتی، البته بمعنای آن نیست که این جریان ها از تلاشهای خود برای محلودیت، انحراف و سرانجام مهار جنبش دانشجویی دست برداشته یا برمیدارند. دانشجویان آگاه و جنبش دانشجویی اما میتوانند واید آزادیخواهی دروغین این ها را افشاء و پر ملا سازند و جنبش مستقل رادیکال خویش را سازمان دهنند. حرکات اعتراضی اخیر دانشجویان، نشانه چنین

لارس و چیزین پیش مناری است .
جنبیش دانشجوئی میروند تا با سازمانیابی و حرکت
مستقل، جایگاه خود را در مبارزه برای واژگونی یک رشیم
استبدادی و ضد مردمی را بان بیلد.

تک و پاتک سیاسی . . .

در گلشت بازگان را در چند شهر بزرگ برگزار کنند. جناح رقیب که شدیبا با این اقتام مخالف بود، چماق‌تاران خود موسوم به انصار حزب الله را برای برهم زدن این مراسم گسیل داشت. آنها در عمل اجازه نامه وزارت کشور روابط اعلام نمودند و ممانع برگزاری مراسم شدند. لذا وزارت کشور بار دیگر به نهضت آزادی برای برگزاری این مراسم اجازه داد و این بار چماقداران حزب الله در پر ابر مردمی که رود رورو آنها قرار گرفته بودند، ناگیر به عقب نشینی شلند. مانع ماسه بگار گردید.

این تعریف و عقب نشینی، تک پیاتک سیاسی جناح هاهمچنان ادامه دارد و بیرس هرمستله ای خود انشان میلدهد. این وضع ادامه خواهد بیافت، تاجانی که بحران به درجه ای رشد کند که نیروی دیگری را برای حل مسئله به صحنه فرا خواند. این نیرو، توده مردم ایران، کارگران و زحمتکشان اندکه تمام موجودیت حکومت را شانه افته اند.

مهم مطروحه از طرف دانشجویان است که در میان سایر خواست ها از پژوهی و پرسنلیتی خاصی برخود را است. جیرانات دانشجویی وابسته به رژیم و طور مشخص دفتر تحکیم وحدت، همواره در صدد آن بوده است تا از خواست های عمومی دانشجویان به نفع منافع جناحی از حکومت بهره برداری نماید. این جیران کوشیده است تا با قراردادن خود در راست جنبش دانشجویی، جنبش انتراضی دانشجویان را در چارچوب منافع خود محدود و در موضع لزوم آرامه ها کند.

در جیران مبارزات دانشجویی و پر خورد به آن، در جنبه بسیار شاخص در نجوده حرکت این جیران مشاهده می شود. وقتی که بطور مشخص از «تضییع حقوق دانشجویی» صحبت می کند و یا طالب «فضای باز سیاسی» و کوتاه شدن دست انصار حزب الله از دانشگاه می شود و یا خواست آزادی احزاب و غیره را بینان می کند، با جنبه هائی از خواست های عمومی توده دانشجویان همراه می شود و یا لاقل می خواهد خود را همراه نشان دهد. اما در همان حال با تأکید و دفاع سرخسته از قانون اساسی رژیم، به روشنی نشان میدهد که هدف این جیران نه دست یابی به آزادی های سیاسی، بلکه کاهش فشارهای جناح رقیب و کوتاه کردن دست جیرانی است که حتی دانشجویان خط امام راهم که نظام حاکم و قانون اساس آنرا قبول دارند نیز برنمی تابد و آنها را «شدت منکوب» می کند و یا این کارها یعنی تشییل جو سرکوب، اساس نظام را بخط مری انتزاع دارند! دفتر تحکیم وحدت

دانشگاه و جنبش دانشجویی، بیگمان یکی از عرصه های بسیار مهمی است که ارتیاج حاکم بی هیچ مقامه چینی و فوت و قتل آنرا از همان آغاز استقرارش، آماج تهاجمات خویش قرار داده است. دستگیری های وسیع، اخراج های گسترده، حبس و کشتار دانشجویان در جریان انقلاب فرهنگی رژیم و بعد از آن، جهت مقابله با حرکات اعتراضی دانشجویان و اسلاماً بنظر رشته کن ساختن جنبش دانشجویی بوده است تانه فقط این جنبش را بشایه جنبشی دمکراتیک و آزادی خواهانه از میان برداشته باشد، بلکه اثرات سیاسی این جنبش بر جامعه و بیرون بر جنبش مبارزاتی کارگران و زحمتکشان را تیز متفقی کرده باشد. حکومت اسلامی اما برغم تمام این وحشیگریها و اقدامات سرکوبگرانه و پر غم آنکه خفقان بیمانندی را برداشگاهها حاکم نمود، به این هدف شوم خود دست نیافت. زور و سرنیزی نه فقط جنبش دانشجویی را خاموش نساخت، بلکه خود بوسیله ای تبدیل شد تا دانشجویان حرکت خویش را لازمه حول اعتراض به آن شکل دهند. چنین است که می بینیم جنبش دانشجویی با همه افت و خیزه ایش، هیچگاه از نفس نیقاده است و حرکات اعتراضی در این یا آن دانشگاه، و محیط دانشجویی که بعض از تابع سیاسی گسترده ای در جامعه داشته و گاه حتی سایر حوادث را نیز تحت الشاع خود قرارداده است، بوضوح از تلامیم و حیات جنبش دانشجویی و در عین حال از زیونی رژیم در خود بالین جنبش و فروختن کاندن آن حکایت دارد.

اکنون مستهله این نیست که حکومت اسلامی از خاموش

دریانیه ای که بمناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو صادر کرد، با پسچو شکرگی به لین موضوع اشاره کرده وبار دیگر به طرفداران «ذوب درولایت» اطیبان داده است که نظام ولایت فقیه را قبول دارد اما «درچارچوب نظام» برای دانشجویان «حق نقد و اعتراض» قادر است چرا که «فقدان رویه تقادی نسبت به عملکرد مسئولان و دست اندرکاران کشور، اساس نظام راست و ضریبه پنیر مینماید!» بنابراین عمل به قانون اساسی و یا همان قانونگرانی که امروز خاتمی سردمدار آن است، اوج خواست این جریان وتشکل های مشابه آن است و در اساس هدف آن است تا مطالبات دانشجویی را نیز درچارچوب بنهای قانون اساسی به بند بکشد.

د. حکات اعترض دانشجوی اخیر، دهمان جا، که جنبه ساختن دانشگاهها و نوبادی جنبش دانشجویی بازمانده است، مسئله این است که این جنبش بویژه بعد از دوم خرداد، روندی رشد یابنده بخود گرفته و با آهنگ بالنسیه سریعی رو به اعتلاء نهاده است. نمونه های حرکات اعتراضی دانشجویان، آشکارا از این موضوع وازعمق و گسترش جنبش دانشجویی حکایت دارد.

فقط درهیین چندماهه اخیر یعنی بعد از روی کار آمدن خاتمی، حرکات اعتراضی متعددی در مراکز دانشجویی صورت گرفته است که روزنامه ها و خبرگزاریهای رژیم نیز به موازی از آن اشاره کرده اند. هزاران تن از دانشجویان در دانشگاه و مراکز دانشجویی درسراسر کشور از جمله دانشگاه تهران، امیر کبیر (صنعتی)، بهشتی (ملی سایق)، علامه طباطبائی، دانشگاه فردوسی، مشهد، تبریز،

در حرکات اعتراضی دانشجویی اخیر، درهمان حال که جنب وجوش جریانات وابسته به جناح های حکومتی و سخنگویان آن در راستای محقق ساختن اهدافی که فواید بیان اشاره کردید به چشم می خورد، در عین حال رسوانی آشکار و بیش از پیش لین ها در لاظقار عمومی توده دانشجویان واقعه عمق مطالبات آنها با مطالبات رادیکال دانشجویان نیز به نمایش گذاشته می شود. درحالیکه اجرای قانون اساسی و درنهایت محدودیت اختیارات ولی فقیه، خواست حد اکثر این هاست، خواست عمومی دانشجویان، رهایی از نظام استبدادی و رسیلدن به دمکراسی و آزادی است. هزاران دانشجوی ساکن خوابگاه های دانشجویی دردانشگاه تبریز، دانشگاه ملی سابق، و خصوصاً دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران در حرکت اعتراضی خود، استبیاد حاکم را زیر ضرب گرفتند. دانشجویان که حرکت اعتراضی خود را با طرح یک رشتہ مطالبات صنفی، رفاهی و دمکراتیک آغاز کرده بودند، مورد حمله نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفتند. حکومت استبداد از وحشت گسترش اعتراض دانشجویان، مزدوران علمی و سیعی طرح نمی شده است، یکی از خواست های

اعتراض غذا ادامه خواهیم داد»

یونان: روز ۲۲ و ۲۷ ژانویه، دهها هزار نفر کارگر شاغل در بخش دولتی یونان دست به یک اعتراض ۲۴ ساعته زدند. این حرکت به دعوت اتحادیه کارگران شاغل در بخش دولتی و در اعتراض به تصمیمات جدید دولت این کشور انجام گرفت. براساس این تصمیمات حقوق صنفی کارگران بخش دولتی محدود شده و کارفرمایان دولتی حق خواهند داشت که شرایط کار کارگران را خودسرانه و بدون مشارکت کارگران تعیین کنند. در این روز اعتراضیان حمل و نقل شهری مسافران، ادارات پست، مراکر دولتی، تلویزیون، بانکها، فروشگاهها و نیروگاههای برق در چنین شهر این کشور را به تعطیل کامل کشانند.

بیکاری گسترده در آسیای دور

در حالی که کشورهای اروپای غربی و محاذی سومیه داری سخن از الگوی آسیای دور و سیستم کاری و حقوقی آن می‌گویند، بحران وسیع و بی‌سابقه‌ای کشورهای این منطقه از جهان را در برگرفته است و افسانه «غولهای آسیانی» را نقش برآب کرده است. واحد پول کره جنوبی در طی یک هفته نصف ارزش خود را از دست داد و قیمت یک دلار آمریکا از هزار ون به دو هزار ون رسید. طی سال ۱۹۹۸ میلیونها نفر در کشورهای آسیای دور بیکار خواهند شد.

قایلند: تا پایان سال ۱۹۹۷، تعداد بیکاران لین کشور، یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر بوده است که در سال ۱۹۹۸ به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار بالغ خواهد شد. علاوه بر این نخست وزیر تایلند اعلام داشت که طرح اخراج یک میلیون کارگر خارجی را به مردم اجرا در خواهد آورده و افزوده است که در ۶ ماه آینده ۳۰۰ هزار کارگر مهاجر اخراج خواهند شد.

اندوونزی: ۵۰۰ هزار نفر در صنایع نساجی این کشور در معرض اخراج قرار دارند. وزارت کار تعداد بیکاران در سال ۱۹۹۸ را، ۶ میلیون پیش بینی می‌کند.

چین: منابع رسمی این کشور خبر از بیکاری ۱۱ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸ داده اند.

هنگ کنگ: بخش مالی هنگ کنگ درصد است ۲۰ درصد شاغلین را بیکار نماید.

کره جنوبی: سنديکاهای این کشور از یک اعتراض عمومی سخن می‌گویند چرا که منابع دولتی خبر از ۵۰ درصد بیکاری یعنی یک میلیون و نیم نفر بیکار پیشتر، خبر می‌دهند.

خلاف جریان

به زبانهای انگلیس و فرانسه منتشر شد

شماره ۱۱ نشریه خلاف جریان به زبان انگلیسی و شماره ۱۷ همین نشریه به زبان فرانسه در ژانویه ۱۹۹۸ منتشر شد.

روسیه: اکنون ماههای است که میلیونها کارگر در سراسر روسیه مستمزدی دریافت نکرده اند. در اینمدت کارگران سراسر روسیه و بیوژه معلنجیان مبارز روسیه بارها دست به اعتراض و اعتراض زده و مقامات دولتی را وادار به پرداخت بخش ناچیزی از مستمزدهای معوقه خود نمودند. اکنون به گفته اتحادیه های کارگری، دولت بوریس یلتیسین حlod ۲ میلیارد دلار، معادل ۱۶۰ میلیارد روبل، به کارگران روسیه بدھکار است. تنها در منطقه صنعتی چیلاینسک بیش از ۱۰۰ کارخانه و مرکز تولیدی، پولی برای پرداخت به کارگران خود ندارند. در این حال مقامات دولت تها کارگران را به صبر و تحمل دعوت نموده و هنوز خبری از پرداخت مستمزدهای وقت، از سوی دیگر کارفرمایان خصوصی نیز شروع به پرداخت مستمزد کارگران بصورت جنسی نموده اند. این کار با مخالفت کارگران مواجه شده و آنها خواستار دریافت مستمزدهای پولی هستند. علیرغم گرسنگی، سرمای سخت و کار طاقت فرما کارگران مبارز تا دریافت تمام مستمزد خود دست از مبارزه نخواهند کشید.

* روز ۲۷ ژانویه، صدها نفر از معلنجیان روسیه خط آهن ماورا سببی را در دو شهر ولادی وستک و پارتیزانس مسلود کرده و از عبور قطارهای مسافری و باری از این دو شهر جلوگیری نمودند. این حرکت در اعتراض به عدم پرداخت مستمزدهای در چند ماه اخیر انجام گرفت. این حرکت آغاز کازار وسیعی است که کارگران روسیه برای دریافت حقوق معوقه خود در سال جدید آغاز نمودند. بنا به آمار اتحادیه های کارگری، در حال حاضر ماههای است که بیش از ۲۰۰ میلیون کارگر، در سراسر روسیه مستمزدی دریافت نکرده اند. افزایش سازمانیایی در سال گذشته نقطه عطفی در روند گسترش این مبارزات بوده است. در ژانویه سال جاری نیز، ۴ هزار نفر از کارگران زنانهای ایالت وائشنگن به صفوپ اتحادیه Teamsters پیوستند. به گزارش شورای سراسری AFL-CIO آمریکا، در ۶ ماه اول سال ۹۶، بیش از ۱۲ درصد از کارگران آمریکا، مجدداً رای به عضویت در اتحادیه ها دادند. افزایش سازمانیایی در میان کارگران بخش دولتی محسوس تر است. در اوخر سال ۹۷، صدها نفر از کارگران شرکت حمل و نقل هوانی ATI کارگران مدارس در ایالت فلوریدا و راندکان اتوبوسهای شهری در چند شهر ایالت ویرجینیا خواستار عضویت در اتحادیه Teamsters شدند. از دیگر پیروزیهای کارگران آمریکا در سال گذشته، عضویت جمعی بیش از ۵ هزار نفر از کارگران و کارکنان آژانسها مسافرتی در این کشور بود.

اسپانیا: ۱۰ هزار نفر از معلنجیان منطقه Asturien در شمال اسپانیا، از اوخر ماه دسامبر دست به اعتراض زدند. این اعتراض در مخالفت با تصمیمات دولت اسپانیا انجام گرفت. برمبنای این تصمیمات و برطبق رهنمود پارلمان اروپا، تولید معدن زیان آور کاوش یافته و در نتیجه بیش از ۴ هزار معلنجی به صفوپ بیکاران خواهند پیوست. این اعتراض پس از ۹ روز و بیانی ۲ اعتراض عمومی، به دلیل کشته شدن یکی از معلنجیانی که مدخل ورودی شهر Mieres مسلود کرده بودند، پایان گرفت. معلنجیان اعلام نمودند که به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

قواقستان: از روز ۱۱ ژانویه صدها نفر کارگر معدن فسفر در شهر زاناتاس در قراقستان دست به اعتراض این زدند. این حرکت در اعتراض به تعویق افتادن مستمزدهای انجام گرفته است. کارگران جان به لب رسیده از سرما و گرسنگی بیش از ۱۰ ماه است که مستمزدی دریافت نکرده اند. در بیانیه آغاز این حرکت، کارگران از جمله اعلام نمودند که: «به اینوسیله ما بی‌اعتمادی خود را به دولت و نمایندگان پارلمان بی‌لیاقت قراقستان اعلام می‌کنیم. ما تا دست یابی به پیروزی نهایی به این



آمریکا: از اویل دهه ۸۰ و همزمان با انتخاب رونالد ریگان به ریاست جمهوری، جنبش اتحادیه ای طبقه کارگر آمریکا دچار رکود و عقب نشینی شد. تصویب قوانین ضد اتحادیه ائمی، رشد روزافزون کارگران نیمه وقت، افزایش سراسر آور خصوصی سازی و بعضی ممنوعیت عضویت در اتحادیه های کارگری بعنوان شرط استخدام کارگران، این روند را تشیید نمود. اما در سالهای اخیر، کارگران آمریکا مجدداً شاهد رشد مبارزه و سازمانیایی در صفوپ خود بوده اند. پیروزی اتحادیه کارگران غیر ماهر Teamsters و کارگران خطوط هوایی UnitedAirlines در سال گذشته نقطه عطفی در روند گسترش این مبارزات بوده است. در ژانویه سال جاری نیز، ۴ هزار نفر از کارگران زنانهای ایالت وائشنگن به صفوپ اتحادیه Teamsters پیوستند. به گزارش شورای سراسری AFL-CIO آمریکا، در ۶ ماه اول سال ۹۶، بیش از ۱۲ درصد از کارگران آمریکا، مجدداً رای به عضویت در اتحادیه ها دادند. افزایش سازمانیایی در میان کارگران بخش دولتی محسوس تر است. در اوخر سال ۹۷، صدها نفر از کارگران شرکت حمل و نقل هوانی ATI کارگران مدارس در ایالت فلوریدا و راندکان اتوبوسهای شهری در چند شهر ایالت ویرجینیا خواستار عضویت در اتحادیه Teamsters شدند. از دیگر پیروزیهای کارگران آمریکا در سال گذشته، عضویت جمعی بیش از ۵ هزار نفر از کارگران و کارکنان آژانسها مسافرتی در این کشور بود.

در شمال اسپانیا، از اوخر ماه دسامبر دست به اعتراض زدند. این اعتراض در مخالفت با تصمیمات دولت اسپانیا انجام گرفت. برمبنای این تصمیمات و برطبق رهنمود پارلمان اروپا، تولید معدن زیان آور کاوش یافته و در نتیجه بیش از ۴ هزار معلنجی به صفوپ بیکاران خواهند پیوست. این اعتراض پس از ۹ روز و بیانی ۲ اعتراض عمومی، به دلیل کشته شدن یکی از معلنجیانی که مدخل ورودی شهر Mieres مسلود کرده بودند، پایان گرفت. معلنجیان اعلام نمودند که به مبارزات خود ادامه خواهند داد.

فووون: در اوسط ماه نوامبر سال گذشته، بخشی از خدمات شهری در شهر اسلو به بخش خصوصی واکنار شد. کارفرمای جدید بلافضلله روز ۲۷ نوامبر تمامی کارگر شاغل در این بخش را اخراج نمود. این حرکت با مقاومت یکپارچه کارگران اخراجی مواجه شد. در همین رابطه اتحادیه کارگران شهرداریهای نروژ NKF روز ۱۶ ژانویه اعضا خود را به یک اعتراض یکساخته شدند. این روز مردم خشمگین در خیابانهای نروژ رفاه را نشاند. در این روز مردم خشمگین در خیابان این کشور حمله برده و بخشی از ساختمان مجلس انتویزی را به اشغال خود درآورده اند.

فرووون: در اوسط ماه نوامبر سال گذشته، بخشی از فسفر در شهر زاناتاس در قراقستان دست به اعتراض این زدند. این حرکت در اعتراض به تعویق افتادن مستمزدهای انجام گرفته است. کارگران جان به لب رسیده از سرما و گرسنگی بیش از ۱۰ ماه است که مستمزدی دریافت نکرده اند. در بیانیه آغاز این حرکت، کارگران از جمله اعلام نمودند که: «به اینوسیله ما بی‌اعتمادی خود را به دولت و نمایندگان پارلمان بی‌لیاقت قراقستان اعلام می‌کنیم. ما تا دست یابی به پیروزی نهایی به این

۱۲

بودند، با حضور درمحوطه کارخانه، مانع ازابن امرشند.
میزیرت قصدداشت درغیاب کارگران با بیرون کشیلن
وسائل تولید، اعلام ورشکستگی نماید و به تعطیل کارخانه
واخراج کارگران دست زند.

سه برابر شدن مالیات‌های غیر مستقیم

دولت در سال جاری، مقادیر کالاها از درآمدهای مالیاتی خود را از طریق مالیات غیر مستقیم یعنی از طریق افزایش بهای کالاهای و خدماتی که در اتحاد حصار دولت اند و خریدار آنها انبوه عظیم مردم زحمتکش میباشدند، کسب کرده است.

براساس گزارش اقتصادی سال ۷۵ دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و پژوهش، «میزان درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۷۶ معادل ۱۹ هزار و ۱۹ میلیارد ریال برآورد شده که نسبت به عملکرد سال ۷۵ افزایشی معادل ۵۱/۴ درصد برخوردار است. از کل درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۷۶ معادل ۸ هزار و ۱۰۸ میلیارد ریال را مالیاتهای مستقیم و ۱۰ هزار و ۹۱ میلیارد ریال را مالیاتهای غیر مستقیم تشکیل می‌دهد که نسبت به ارقام مشابه عملکرد سال ۷۵، مالیاتهای مستقیم ۹/۶ درصد و مالیاتهای غیر مستقیم ۲۰/۴ درصد افزایش نشان می‌دهند.»

این ارقام حاکی است که دولت به جای لین که از سرمایه داران و دیگر ثروتمندان مالیات بگیرد، روزبیروز بر حجم و میزان مالیاتی که از زحمتکشان اخذ میگردد، می‌افزاید.

یک چهارم جمعیت استان تهران اجاره نشین اند

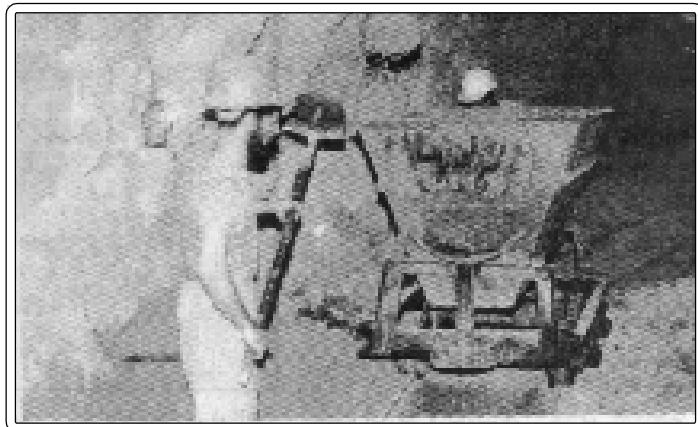
برمبانی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، در ۱۳۷۵م هجری
از ۲ میلیون و ۵۸۶ هزارو ۷۴۳ خانوار ساکن دراستان
تهران، بالغ بر ۲۴/۶۸ درصد آنها اجاره نشین هستند.
براساس این گزارش، جمعیت ۱۱ میلیون و ۱۷۶ هزارو ۲۳۹ نفری استان تهران در ۲ میلیون و ۲۹۷ هزارو ۷۸۳ واحد مسکن ساکن هستند.

روزنامه اطلاعات بین المللی که به درج این ارقام پرداخته است، می افزاید: رشد سالانه بهای مسکن در سال ۱۹۷۳ به ۷۴ درصد، در سال ۱۹۷۶ به ۳۳ درصد و در سال ۱۹۸۰ به ۴۳/۵ درصد رسید.

اعتراض به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

۵۵ تشکل دمکراتیک ایرانیان درکشورهای مختلف اروپا و نیز دراسترالیا، طی نامه ای به تاریخ ۱۹۹۸/۲/۲ خطاب به رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد، درگزاری کنفرانس منطقه ای حقوق بشر سازمان ملل متعدد، در ایران اعتراض نمودند. در این نامه چنین آمده است:

«ما این جمن های امضا، کننده زیر باتوجه به این واقعیت که حقوق بشر و لبستانی ترین حقوق سیاسی و مدنی در ایران اسلامی همواره لگک مال میشود، برآن شدید تلب ارسال این نامه، اعتراض خود راستی به برگزاری کنفرانس منطقه ای حقوق بشر سازمان ملل متعدد در ایران به شما ابراز داریم.» در این این نامه نیز از رئیس کمیسیون خواسته شده است که رژیم جمهوری اسلامی را برای آزادی فوری وی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیلیتی وغیر کلیه احکام اعدام، سنگسار، قطع عضو، شلاق زنی و نیترور مخالفین زیر فشار قرار دهد.



④À fóANÁgYf feðAÀlðf @MF ZE ðæfug
f· xF@ XfY ZfY Áz } Áf@ } f· ſzzxZRMF
x@ → zæfæfæf x@ ð@ v@ exd@ >fd@ Í f·
ç@ Zd@ Á Þf@ .. ð@ Át ð@ Áv@ Á@ à Á@
y@ Á@ à@ x@ > Á Zz@ Zz@ Zz@ } f· ſzz

لکتیک را به پیمانکار واکنار مینمایند و دررنگینه نخ،
کارگران را بازخیزد میکنند وبا احترام میگویند شما
خرابید؟! در تک ماشین وزمزم و خامه تاب خراسان نیز

* همچنین بنا به گزارش روزنامه سلام ۱۷ دی، شرکت مترور نیز اخیراً تعداد زیادی از کارکنان خود را باز خرید کرده است.

۶۰ هزار کارگر را تهدید میکند

گسترش اخراج ها، هر روزه بخیل بیکاران در ایران می فزاید. کارخانجات و موسسات تولیدی به بهانه های واهی، رشکستگی و نبود مواد خام راستمسمکی برای اخراج کارگران قرارداده اند. علاوه بر ارجاهای گسترده که رکارخانجات و موسسات بزرگ تولیدی صورت میگیرد آخرين نمونه آن درذوب آهن اصفهان به اخراج ۵۰۰۰ کارگر منجر شده، در کارگاهها و مرآکز تولیدی کوچکتر بیز کارگران هر روز در معرض اخراج قرار دارند. هم اکنون خطر اخراج بیش از ۶۰ هزار کارگر شاغل در کارگاهها، کارخانه ها و مرآکز تولیدی کوچک دور امامین و پاکلشت را بهبید میکند. تنها طی دو سال گذشته، در لین مناطق واحد تولیدی آجر تعطیل شده و قریب به ۲۰۰۰ تن یکار شده اند.

نوفند مدیریت کارخانه نساجی شمال

مديريت کارخانه نساجی شمال واقع در شهرک صنعتی مشت، از «آذرسال جاري»، ۸۰ کارگر اين کارخانه را به مدت يك هفته به مرخصي اجباری فرستاد. ظرف اين مدت، عوامل مديريت اقدام به خروج مخفیانه ساختگاههای «آهار» اين کارخانه که از وسائل اصلی ضروری آن نيز هست، نمودند. درنتیت دوم، قرار بود سایر ساختگاههای جوش پیخار نيز به خارج از کارخانه منتقل شود اما کارگران که از توطئه مديريت مطلع شده

کارگران شرکت صدراشیمی واقع در شهرستان فریمان، دریاداشتی که اول آذرماه به روزنامه های رژیم فرسنگی اند، نسبت به علم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه خوش اعتراض کرده وزیر مدلیکل کار و امور اجتماعی استان خراسان خواسته اند تا به مشکل آنها رسیدگی

* همچنین روزنامه کار و کارگر مورخ ۱۱ آذر فاش ساخت که کارگران شرکت خدماتی «کارپویان» سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

بازخرید و فرادردهای موقت اجباری کارگران

طبق گواش روزنامه کارکارگر مورخ ۲۶ آذر ۷۶، رکودی که هم اکنون برواحدهای تولیدی و صنعتی استان خراسان حاکم است و فقط منحصر به این استان هم نمی باشد، پار دیگر بهانه ای برای اخراج ویاز خرد کارگران بدلست مدیران و کارفرمانیان این واحد هاداده است. پاره ای از خطوط تولید تحت این عنوان وبهانه که به پیمانکاران واکارا شده است، بکلی تعطیل شده و کارگران آن اجبارا باز خرد شده اند. برخی دیگر از واحدهای تولیدی این استان، ابتدا کارگران حتی کارگران با سابقه را باز خرد کرده و سپس قراردادهایی موقت کاررا بیش روی آنها میگذارند و عملاً آنان رامجور به پذیرش این قراردادها میکنند و بی آنکه به کارگران اجازه داده شود درمورد مزایا حق وحقوق خویش سئوال کنند، آنها راوحشیانه استثمار میکنند. اینگونه اخراجها وسوء استفاده آشکار از قراردادهایی موقت کار آنقدر ابعاد وسیع و آشکاری بخود گرفته است که حتی مسئولین شوراهای اسلامی کارکارایین استان نیز زبان به اعتراض گشوده اند. یکی از آنها در این مورد میگوید «واحد تولیدی فروزانکو را تعطیل مکنید تا ۲۰ کارگر خانه داشته باشد. کارگران را از لاما

جنیش بی سابقه بیکاران در فرانسه

بیکاران در جنبش اخیر خود به اشغال اماکن مختلف اهمیت خاصی دادند. آنان این شکل از مبارزه را با توجه به اینکه بیکاران نمیتوانند با شکل مبارزاتی اعتراض صدای اعتراض خود را بلند کنند توضیح میدهند. روز شنبه ۱۰ ژانویه ۱۹۹۸ دفترهای بیمه بیکاری در ۲۶ نقطه مختلف فرانسه در اشغال بیکاران بود و در همین روز پلیس با حمله و حشیانه خود ۱۸ دفتر را از اشغال بیکاران خارج نمود. دو روز قبل از آن ۵۰ تن از بیکاران مارسی دفتر سنتیکائی کارفرمایان را اشغال کرده و خواستار ملاقات با دیگر این دفتر شدند. وقتی آقای دیگر حاضر شد، نماینده بیکاران با توجه به اینکه وزیر کار روز ۱۸ دسامبر اعلام کرده بود که «امداد همیستگی ویژه» را «با لا مبیرد، گفت : «شما دیروز به انتازه قیمت یک نان، امداد همیستگی ویژه را بالا بریدی، انگار شما تصمیم به تمسخر ما گرفته اید.» سپس او خبرنگاران حاضر را مورد خطاب قرار داد و گفت: «ما نمی خواهیم که شاغلین یک بار بعنوان مزدگیر و یک بار بعنوان پرداخت کننده مالیات برای بیکاران، پردازند.» روز ۱۷ دسامبر ۲۰۰ تن از بیکاران، موزه لوور در پاریس را به اشغال خود درآورده تا یادآوری کنند که با وضعیتی که دارند از حقوق فرهنگی هم محرومند.

روز ۵ ژانویه تعادی از بیکاران در شهر «مونبیلیار» دفتر وزیر امور اروپائی «بی بی موسکوبیسی»، عضو حزب سوسیالیست را اشغال نموده و خواهان ملاقات با او برای مطالبه پاداش ۳۰۰ فرانک پایان سال شدند. روز ۲۰ ژانویه بیکاران دفتریکاران مولوز از ۱۴ ژانویه دفتر حزب سوسیالیست را در اشغال خود داشتند. بیکاران شهر سن دیه اثاث تجارت و صنعت این شهر را در ۱۹ ژانویه اشغال نمودند.

اشکال دیگر مبارزاتی بیکاران تظاهرات خیابانی نیز بوده است. روز ۷ ژانویه در ۵۰ نقطه فرانسه تظاهرات برپا بود. در پاریس ۵۰۰ نفر، در مارسی ۱۲۰۰ نفر و در نانت ۱۰۰۰ نفر در این روز به خیابانها ریختند و خواسته های خود را فریاد کردند. شعارهای بیکاران خشمگین «بیکاری شغل ما نیست»، «حداقل اجتماعی را ۱۵۰ فرانک افزایش دهید»، «تقلیل ساعت کار»، «کار امتحان نیست حق است» و غیره بود. حضور و همیستگی بیکاران فرانسوی و خارجی در تمام این راه پیمانی ها نیز مورد توجه ناظرین قرار گرفت.

تصمیمات دولت و موضع احزاب و سندیکاهای مهندسی

دولت فعلی فرانسه ائتلافی است از حزب سوسیالیست، حزب کمونیست و سبزها. این دولت دست «چپی» در پی انتخابات مجلس در سال گذشته و پیروزی حزب سوسیالیست توسط رئیس جمهور دست راستی، راک شیراک، منصوب شد. در این دولت سه وزیر از حزب کمونیست و یک وزیر از سبزها شرکت دارند. طبیعی است که جنبش بیکاران هر سه این احزاب و بیرونی حزب کمونیست و سبزها را در تنتگانی اتخاذ موضع قرار داد. در ابتدای جنبش، دولت سعی در بی اهمیت جلوه دادن آن نمود. رهبر سنتیکائی ث. آف. د. ت. خانم نیکول توتا جنبش بیکاران را جنبشی از افراد متأثر از گروههای کوچک نامید. وقتی روز ۸ ژانویه نخست وزیر با تشکل های بیکاران در کاخ نخست وزیر دیدار و گفتگو کرد،

مطلوبات جنبش بیکاران

جنیش اخیر با درخواست ۳۰۰ فرانک پاداش پایان سال، وسائل حمل و نقل رایگان و یک شکل سازی بیمه های بیکاری آغاز شد. با توجه به دامنه گسترده جنبش، مطالبه اصلی به افزایش فوری ۱۵۰ فرانک به «حداقل اجتماعی» و بازسازی عمیق بیمه های بیکاری تبدیل شد. خواست افزایش این حداقل ها با توجه به اینکه برخی از آنها سالهای استغفار نکرده (املاک «امداد همیستگی ویژه») از سال ۱۹۹۴) و مبالغ ناجیز آنها به خوبی روشن است.

از سوی دیگر بیکاران بدرستی می گویند که نظام فعلی حقوق بیکاری برای تنها ۲۵۰۰ بیکار در اوائل دهه آن را کاملاً دگرگون نمود. این «حداقل های اجتماعی» با توجه به پیچیدگی بورکراسی بورژوازی، به هشت دسته تقسیم می شوند: «امداد همیستگی ویژه» با مبلغ ۲۳۰ فرانک در ماه به ۵۰۰۰ بیکار تعلق میگیرد که دوره حقوق بیکاری آنان به پایان رسیده است. «حقوق حافظه اجتماعی» یعنی ۳۴۰ فرانک در ماه که به بیش از یک میلیون نفر تعلق دارد میگیرد. یکی از خواستهای جنبش بیکاران تعلق این حقوق به جوانان زیر ۲۵ سال است که از هرگونه حقوقی محرومند. بجز لین دو مورد، «حداقل پیری» است که برای با ۳۴۳۳ فرانک در ماه است و به یک میلیون واحد شرایط تعلق میگیرد. «حداقل معمولی»، «امداد معلولین بالغ» برای با ۲۴۳۳ فرانک در ماه میباشد، «امداد به ولی منفرد» - مادران تنها با یک فرزند- برای با ۴۲۱۷ فرانک در ماه «بیمه بیوگی» برای بیوگان کمتر از ۵۵ سال که ۳۰۷۳ فرانک در سال نخست، ۲۰۱۹ فرانک در سال دوم و ۱۵۳۷ فرانک در سال آخر است. سرانجام میتوان به «امداد الحاقی» اشاره کرد که با مبلغی برای با ۱۳۱۱ فرانک در ماه به برخی از بیکاران زیر ۲۵ سال، زندهایان سبقت پیوندند.

با جهت نیست که با این مبالغ ناجیز، آمار رسمی فرانسه خبر از زندگی زیر خط فقر بیش از ۱۱٪ مردم با درآمدی برای با ۳۲۰۰ فرانک در ماه میدهند. با توجه به اینکه در پاریس و حومه آن، یعنی جانیکه یک پیشگام جمعیت فرانسه در آن زندگی میکنند، کرایه یک خانه یک اتاقه به مبلغی بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ فرانک در ماه میرسد ناجیز لین حداقل ها برای آشکار میشود. تشکلهای بیکاران و انجمنهای امداد رسانی تعداد فقیران را ۷ میلیون نفر اعلام میکنند. طبیعی است که پیشتر اشخاصی که زیر خط فقر زندگی میکنند همین در ماه میرسد ناجیز لین حداقل ها برای آشکار میشوند. تشکل که تعداد اعضای آنها در حدود ۵۰۰۰ تن تخمین زده می شود عبارتند از آ. ث ! - با هم علیه بیکاری که در سال ۱۹۹۳ بوجود آمده است. کمیته های بیکاران ث. ت. که در سال ۱۹۷۶ پایه گذاری شده، «انجمن برای اشتغال»، اطلاعات و همیستگی بیکاران و «بی شبانات» APEIS و سراجام جنبش ملی بیکاران و بی شبانات MNCP هر ۴ تشكیل تاکنون متحدا خواسته های بیکاران را مطرح نموده و در هر کلام از آنها بیکاران فرانسوی و مهاجر عضویت دارند.

جنیش بی سابقه بیکاران در فرانسه از روز ۱۱ دسامبر ۱۹۷ با اشغال دفترهای بیمه بیکاری در مارسی (جنوب فرانسه) و شهرهای اطراف آغاز و سپس به تمام کشور گسترش پیدا کرد. قبل از پرداختن به جزئیات جنبش اخیر، تاریخچه مختصری از جنبش بیکاران در فرانسه و تشکل های آنها ارائه می شود.

تاریخچه جنبش بیکاران و تشکلهای آفان

- ۳۰ مه ۱۹۸۵ جمعیتی در حدود ۱۵۰۰ نفر با فراخوان «انجمن سنتیکائی بیکاران» با مطالبه «حقوق بیکاری برای با دو سوم دستمزد حداقل» برای همه بیکاران در خیابانهای پاریس دست به تظاهرات زند.

- ۲۲ مه ۱۹۸۷ کمیته های بیکاران ث. ت. (کنفرانسیون عمومی کار - نخستین تشکل سنتیکائی فرانسه) تحصی را با حضور ۳۰۰ نفر در مقابل بورس پاریس ترتیب دادند. کمیته های بیکاران ث. ت. در سال ۱۹۷۶ بیان گذاری شدند.

- ۲۴ مه ۱۹۸۹ پلیس با حمله خود، بیکارانی را که دفتر بیمه بیکاری آنان به پایان رسیده بودند، اخراج کرده و این دفتر را تقطیل کرد. بیکاران خواهان بازگشائی فوری این دفتر و بررسی سریع پرونده های کمک اضطراری بودند.

- ۲۸ مه ۱۹۹۴ پس از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر در فرانسه، اعضا «آ. ث» ! (با هم علیه بیکاری - تشکل بیکاران که در سال ۱۹۹۳ پایه گذاری شده بود) به تظاهرات دهها هزار نفری پاریس در این روز می پیوندند.

- ۴ آوریل ۱۹۹۵ در پاریس بیش از ۶۰ بیکار با حمایت سه سنتیکایا وارد یکی از مغازه های فناک (مغازه های زنجیره ای کتاب، نوار، دوربین و غیره) می شوند و خواهان استخدام می گردند. سرانجام دو تن از این بیکاران در فروشگاه استخدام می شوند.

- ۵ دسامبر ۱۹۹۴ دهها بیکار شهر مارسی با تجمع در مقابل شورای عمومی «بوش دو رن» یک پاداش ۳۰۰ فرانکی به مناسبت پایان سال، مطالبه می کنند. ۱۴- ژوئن ۱۹۹۷، روز قبل از اجلاس سران کشورهای اتحادیه اروپا بیش از ۵۰۰۰ نفر در آمستردام علیه بیکاری و بی شبانی شغلی دست به تظاهرات میزندند. این راه پیمانی در واقع نقطه پایانی ۱۴ مسیر راه پیمانی از تمام اروپا بود.

بیکاران فرانسه در جریان جنبش اخیر خود در ۴ تشكیل که به طور متعدد عمل نمودند، متکل هستند. لین ۴ تشكیل که تعداد اعضای آنها در حدود ۵۰۰۰ تن تخمین زده می شود عبارتند از آ. ث ! - با هم علیه بیکاری که در سال ۱۹۹۳ بوجود آمده است. کمیته های بیکاران ث. ت. که در سال ۱۹۷۶ پایه گذاری شده، «انجمن برای اشتغال»، اطلاعات و همیستگی بیکاران و «بی شبانات» APEIS و سراجام جنبش ملی بیکاران و بی شبانات MNCP هر ۴ تشكیل تاکنون متحدا خواسته های بیکاران را مطرح نموده و در هر کلام از آنها بیکاران فرانسوی و مهاجر عضویت دارند.

اشکال مبارزات بیکاران

سرمایه داران و دولتشان در فرانسه تحریم کند ولی این جنبش دستاوردهای فوری ای را بهمراه داشت است، از جمله اینکه تشکلهای بیکاران برسیت شناخته شدند و از این پس در مذاکرات مختلف با دولت و کارفرمایان بعنوان بخش مهمی از جامعه شرکت خواهند کرد. رایکالیسم این جنبش از آنجانی بخوبی مشهود است که در مقابل دولت باصطلاح «چپ» فعلی و تصمیمات نیم بندش سر فرود نمی آورد و قاطعانه مطالباتش را مطرح و به سیاره ادامه میلده. بی جهت نیست که خبرنگار کاتال اول تلویزیون فرانسه در اخبار روز ۲۱ ژانویه از نخست وزیر میپرسد: «آیا شما در جنبش و شیوه های استفاده شده در مبارزات بیکاران نشان هائی از یک وضعیت قبل از انقلابی و شورشی را نمی بینید؟» و او با سکوتی سوال برانگیز میگوید که لین وظیفه خبرنگاران است که به این نوع از پرسش ها پاسخ دهند. در لحظاتی که این سطربه به پایان میرسند بیکاران با توصل به اشکال مختلف به مبارزات خود ادامه میدهند: روز ۲۳ ژانویه بیکاران مشتکل در کمیته های بیکاری ث. ث. ت. در شهر «روآن» هتلی را که در آن ملیمان شرکت آمریکائی کیمبلی کلازک تجمع کرده بودند اشغال کردند، شب ۲۲ ژانویه پلیس در شهر کارگاسون به بیکارانی که اداره کار این شهر را اشغال کرده بودند حمله کرد و آنان را از این محل وحشیانه اخراج نمود، در شهر گرونبل بیکاران دفتر سنیکای کارفرمایان را در ۲۳ ژانویه در اشغال خود داشتند، بیکاران شهر بوردو در همین روز دفتر حزب سوسیالیست را اشغال کردند، صبح روز ۲۳ ژانویه پلیس در پاریس بیکارانی را که یکی از اداره های برق را اشغال کرده بودند تا به قطع برق کسانی که توئاتی پرداخت فاکتورهای خود را ندارند اعتراض کنند حمله برد و آنان را بیرون کرد، در حالیکه در همین روز و در همین شهر عده ای دیگر از بیکاران دفتر بیکاری منطقه د پاریس را در اشغال خود داشتند، روز ۲۳ ژانویه در شهر ویلن داسک پلیس به بیکاران مشتکل در آ. ث! و. ث. ث. ت. حمله برد تا آنان را از دفتر بیمه اجتماعی این شهر در شمال فرانسه بیرون کند، روز سه شنبه ۲۷ ژانویه هم در اکثر شهرهای فرانسه تظاهرات بیکاران بپیا بود، در این روز ۱۰۰۰۰ نفر در پاریس، ۹۰۰۰ نفر در مارسی (جنوب)، ۳۰۰۰ نفر در نانت (غرب)، ۴۰۰۰ نفر در بوردو (جنوب غربی) و چنینی شهر دیگر با شعارهای «کار حق است نه امتیاز»، «تمام حداقلها اجتماعی را ۱۵۰۰ افزایش دهدیم»، «کسی که بیکاری میکارد خشم در میکند»، «بیکاری، بیکاری دیگر بس است» و غیره به خیلانها آمدند و خشم خود را به نمایش گذارند.

بعاد گستردۀ بیکاران در فرانسه و دیگر کشورهای سرمایه داری که هر روز بزیاد آن افزوده میشود، حاکی از ناتوانی و بحران ناعلاج نظام سرمایه داریست. راه حل معضل بیکاری و حل قطعی و ریشه ای آن از طریق نفی نظام سرمایه داری میسر است. تنها سوسیالیسم میتواند این مساله را به شکل قطعی حل کند. اما حل موضعی و فوری که این جنبش میتواند پیش روی خود قرار دهد، کاهش ساعت‌های کار و ایجاد اشتغال می باشد. این امر نیز با گسترش مبارزات و همبستگی بین کارگران شاغل و بیکاران قابل حصول است.

از نمادهای سرمایه اوضاع چگونه است؟ در سال ۱۹۹۷ بورس شاهد بیش از ۳۷ میلیون تقل و انتقال و معامله اوراق بهادر بود و نسبت به سال قبل $\frac{۳۸}{۳}$ % افزایش داشت، مبلغ مبالغه سهام به ۲۴۲۹ میلیارد فرانک رسید و از این جهت $\frac{۷}{۷}$ % در طی یکسال افزایش داشت. لین جهش شدت و هفت درصدی موجب شد که بورس پاریس از دو بورس مهم دیگر اروپائی یعنی لندن و فرانکفورت که به ترتیب $\frac{۳۷}{۳}$ % و $\frac{۴۷}{۴}$ % افزایش داشته اند هم پیشی گیرد. متوسط مبالغه سهام در بورس پاریس در طی سال ۱۹۹۷ روزی ۹ میلیارد و ۴۸۰ میلیون فرانک در مقابل ۵ میلیارد و ۶۶ میلیون فرانک در روز در سال ۱۹۹۶ بوده است. برآورد سرمایه ۸۶۲ شرکت در بورس در پایان ماه دسامبر به ۴۰۵۷ میلیارد فرانک رسید که میتوان آنرا با سال قبل از آن که لین مبلغ به ۳۰۷۸ میلیارد فرانک رسید مقایسه نمود. افزایش سرمایه شرکتهای که سهام آنها در بورس پاریس رد و بدل شد مجموعاً به ۱۱۸ میلیارد فرانک رسید و این مبلغ نسبت به سال ۱۹۹۶ دقیقاً $\frac{۸۲}{۶۶}$ % افزایش داشته است.

در کشوری که محصول ناخالص داخلی از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۶ بیش از $\frac{۲۵}{۲۵}$ % افزایش داشته و سود خالص شرکتهای در طی ده سال بیشتر شده، تزدیک به ۷ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی میکنند و تزدیک به ۷ میلیون نفر دیگر دارای مشاغل ناستوار هستند. وقتنی هم بخشی از بیکارانش از فرط تنگنا و فقر به خیلانها می آید تا افزایش ۱۵۰۰ فرانک حداقلهاي اجتماعی را مطالبه کنند هنگامی که دولت (سوسیالیستش) نیروهای پلیس را بر سرکوب آنان نمی فرستد می گوید که این مساله ۷۰ میلیارد فرانک (هزینه) دارد و کل اقتضادش را مختلف میکند. ولی این دولت هم مانند تمامی دولتهاي سرمایه داری و مدافعان بورژوازی دروغ میگوید. اگر این دولت تنها «مالیات بر شوهر های بزرگ» را که تعداد اندکی آن را می پردازند دو برابر کند، از اینرا میتواند ۲۲ میلیارد فرانک بست آورد. این دولت خوب میداند که در بورس پاریس در سال ۱۹۹۷ سهمداران تنها ۴۰ شرکت ۶۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون فرانک سود به جیب زده اند. لین دولت سالی ۷۰ میلیارد فرانک در اختیار صندوق بین المللی پول میکارد تا این صندوق سیاستهای اقتصادی ضد انسانی خود را به جهان تحریم کند. این دولت هم مانند دولت قبلی که به دست راستی موسوم بود از منافع دارندگان، این اقلیت کوچک جامعه دفاع میکند، هرچند که دو سه وزیر «کمونیست» که تنها از کمونیسم نامش را با خود حمل میکنند در کاینه خود گذاورده است و هر چند که جناح راست بورژوازی فرانسه در پاریس به او خود میگیرد که چرا از (آخرین حزب کمونیست غرب) وزرائی را برگزیده است. تازه مگر وزیر «کمونیست» را و حمل و نقل چه کرد؟ یکی از مطالبات بیکاران در جنبش اخیر وسائل حمل و نقل رلیگان برای بیکاران در جنبش اخیر وسائل حمل و نقل ریگار شد و هر چند که درجه ای از بیکاران در ۱۰۰ هزار بیکار در بر نمیگیرد.

جنیشی که از روز ۱۱ دسامبر ۱۹۹۷ آغاز شد تاکنون توانسته است بطور کامل مطالبات بورژوازی خود را به

آقای مارک بلونل، دبیر اول اف. او هم از اینکه نخست وزیر با نمایندگان بیکاران ملاقات کرده اظهار تأسف کرد.

دولت سوسیالیست سرانجام روز ۹ ژانویه اعلام کرد که مبلغ یک میلیارد فرانک فروا در اختیار بیکاران قرار میگیرد. تشکلهای بیکاران با توجه به اینکه با این مبلغ تنها ۳۰۰ فرانک آن هم برای بیکاران به آنان تعلق میگیرد این بیشترهای را قاطعانه رد کردند و به مبارزات خود ادامه دادند. بیشتر بود که روز ۱۳ ژانویه در پاریس ۷۰۰۰ نفر و در مارسی ۸۰۰۰ نفر به خیلانها آمدند و همراه بیکاران دیگر شهرها بر تداوم جنبش مهر تائید گذارند.

ادامه جنبش، دولت را وادار کرد تا باصطلاح تصمیمات جدی دیگر اتخاذ کند. ولی وقتی روز ۲۱ ژانویه نخست وزیر اعلام نمود که تحقق مطالبه افزایش ۱۵۰۰ فرانکی همه حداقلهاي اجتماعی ممکن نیست، چرا که این مساله احتیاج به ۷۰ میلیارد فرانک دارد و تمام «اقتصاد کشور را مختلف میسازد»، ۴ تشكیل اصلی بیکاران متحدا از ادامه جنبش سخن گفتند. لیونل روپن، نخست وزیر فعلی فرانسه در همین روز اعلام کرد «امداد همیستگی اجتماعی» با هزینه های زندگی مناسب خواهد شد ولی مبلغ آن ۱۵۰۰ فرانک افزایش نخواهد یافت. او از چهار اقدام دیگر خبر داد که بیشتر برای آرام سازی وضعیت در نظر گرفته شده اند تا تحقق مطالبات فوری بیکاران.

احزاب جناح راست بورژوازی فرانسه تقریباً در مورد جنبش بیکاران سکوت اختیار کردند و با توجه به مطالبات و رایکالیسم جنبش بیکاران ترجیح دادند که حتی از بازیهای معمول خود با جناح چپ بورژوازی، حزب سوسیالیست و مولفیتیشن، در این مورد خاص چشم پوشی کنند. «جبهه ملی» تفاوتشیت آقای لوین هم طبق معمول همیشگی با کلماتی ریکیک و زنده جنبش بیکاران را محکوم کرد و علیه آن موضع گیری نمود.

حزب کمونیست که در دولت فعلی شرکت دارد روزی از اینکه «تصمیمات دولت در جهت مثبت» پیش میروند عمل از جنبش دوری گرفت و روزی دیگر ژیر فشار چنان چشم از آن حمایت و پشتیبانی کرد. تا اینکه نخست وزیر، رهبر این حزب را فراخواند و به او یادآوری کرد که درست است که در دولت ائتلافی فعلی حزب کمونیست هم شرکت دارد ولی او نباید فراموش کند که اکثریت را حزب سوسیالیست در اختیار دارد. آقای رویر هو، «دبیر ملی» این حزب هم البتہ بیشتر گرایش به کرنش و اطاعت از لیونل روپن دارد تا حمایت همه جانبه از جنبش بورژوازی بیکاران. برای او و دولستان بی نهایت رفمیشتن که راست ترین رهبری تاکنونی را بر حزب کمونیست فرانسه مستولی نموده اند مانند در دولت بورژوازی فعلی نهایتاً دارای اهمیت بیشتری است تا خروج از آن و حمایت از جنبش کارگران و زحمتکشان فرانسه.

در گزارش بالا به جنبش بی سلبقه بیکاران در فرانسه پرداخته شد و ملاحظه گردید که در کشوری که چهارمین قدرت اقتصادی جهان شناخته شده ۷ میلیون نفر زیر خط فقر به زندگی ادامه میگهند و همه روزه با مشکلاتی از قبیل علم توانایی در پرداخت کریمه خانه، فاکتور برق و آب و حتی لقمه نانی دست به گیریانند. ولی در نقطه دیگر جامعه چه میگذرد؟ بیانید سفری به «بورس پاریس» بکنیم و ببینیم در آنجا بعنوان یکی

اطلاعیه مشترک

دربی انعکاس خبر اخراج کارگران ذوب آهن اصفهان و فعالیتهای افشاگرانه و ضد رژیمی برخی از سازمانهای سیاسی در فرانسه و تناس با ث. ر. ت. «فرانسیون ساختمن» ث. ر. ت نامه‌ای اعتراضی خطاب به خاتمی ارسال داشت که قسمت‌هایی از آن را در زیر می‌آوریم:

....

این اولین بارنیست که در دوره اخیر سازمان سنتیکائی ما، ث. ر. ت مستقیماً شما و سپر ایران در فرانسه را مخاطب قرار می‌دهد تا اقدامات فرمایه و وحشی و خشونت آمیز برعلیه دهها هزار فعال دمکرات و سنتیکائی درکشورشما را محکوم کند.

....

نه تنها شما تا کنون صلاح ندانستید که به نامه‌های مختلف ما پاسخ دهید، بعلاوه ما مطلع شدیم که «دولت» شما به استفاده از روش‌های غیر قابل قبول گنشته ادامه می‌دهد و ۵۰۰۰ شاغل مجتمع ذوب آهن اصفهان را اخراج کرده است.

....

سازمان سنتیکائی ث. ر. ت در بخش رحمتکشان ساختمن فرانسه مانند گذشته همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران اعلام مینماید.

....

به همین جهت ما حمایت خود را از تمامی کسانی که هم اکنون در ایران رنج می‌برند و مبارزه می‌کنند اعلام می‌کنیم.

با توجه به دلائلی که برشمردیم و با توجه به مستولیتهای ریاست جمهوری شمامیخواهیم که:

* اخراج کارگران ذوب آهن اصفهان متوقف شود،

* آنانی که تاکنون اخراج شده اندبه مشاغل خود برگردانده شوند،

* دستگیری فعالین و رهبران سنتیکائی پایان باید،

* کلیه زنان و مردانی که مستبدانه در این جریانات بازداشت شده اند، آزاد شوند،

* پیگردها و تنبیهاتی که دادگاههای کشور شما بدان رای داده اند ملغی گردند،

* حقوق و آزادیهای سنتیکائی در ایران به رسمیت شناخته شده و به آنها احترام گذاشته شود.

....

به علت تراکم مطالبات ادامه مقاله

تاریخ مختصر جنبش بین‌المللی کارگری

در شماره آتی نشریه کار درج می‌گردد

در دی ماه، سازمان ما به همراه سازمان کارگران اقلایی ایران (راه کارگر)، حزب دمکرات کرستان ایران و سازمان اتحاد فلایان خلق ایران، طی یک اطلاعیه مشترک، اقدامات سرکوبگرانه حکومت و قوه قضائیه آن را از جمله در مورد محاکمه دکتر حبیب الله پیمان و تلاش برای رسی کردن و جنبه قانونی دادن به محاکمات غیر علی محاکوم نووند. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است:

حکومت اسلامی آشکارا بردامنه اقدامات سرکوبگرانه علیه مخالفین خود افروزد است و هر روز به بهانه ای آنها را دستگیر و محاکمه می‌کند. دستگیری، شکجه، محاکمه و حبس، صرفاً شامل نیروهای اقلایی و مخالفین جلسی حکومت نمی‌شود، بلکه اپوزیسیون قانونی و نیمه قانونی رژیم رانیز دربرمی‌کشد. سران حکومت اسلامی که ظرفیت تحمل هیچگونه مخالفتی را ندارند، دائم در حال پرونده سازی برای نیروها و افراد وابسته به این بخش از اپوزیسیون هستند. بعد از هجوم انصار حزب الله به منزل وکلاس درس منتظر و بازداشت وزهرچشم گرفتن از ابراهیم یزدی دیر کل نهضت آزادی، نوبت به دکتر حبیب الله پیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز رسید که مطابق خبرهای انتشار یافته بعد از ظهر امروز آنهم ظاهراً بجمله انتشار نشریه ماهانه ای که در آن به درج گردیده ای از اخبار روزنامه های حکومتی مبادرت می‌کرده است، به پای میز محاکمه کشیده می‌شود!

این اقدامات سرکوبگرانه که در سکوت کامل آقای خاتمی صورت می‌گیرد، یکبار دیگر بخوبی ماهیت ضد دمکراتیک حکومت اسلامی را بر ملا ساخته و در عین حال پرده از روی تمام تبلیغات دروغین داخلی و بین‌المللی پیرامون آزادیخواهی آقای رئیس جمهور برمی‌دارد.

اطلاعیه مشترک دیگری نیز در بهمن ماه به مناسب بزرگداشت سالروز قیام ۲۲ بهمن منتشر گردید، در این اطلاعیه گفته شده است:

با وجود آنکه دو دهه از انقلاب توده ای ۵۷ و قیام ۲۲ بهمن که به سرنگونی رژیم سلطنتی منجر گردید، می‌گذرد و با وجود آنکه این انقلاب با خشونت تمام پس از مرتضیعین تازه به قدرت خزینه، به شکست کشیده شد و مردمی که برای آزادی و رفاه دست به قیام زده بودند سرانجام جز اختناق و قرق نصیبی نبرند، معهدها این موضوع به هیچوجه از اهمیت و عظمت این رویداد تاریخی نکاسته و نافی درس ها و تجارب آموزنده آن نمی‌باشد. انقلاب توده ای و قیام ۲۲ بهمن، بی‌تردید درسها و تجارب ارزشمند فراوانی برای توده های مردم و جنبش اقلایی ایران بهمراه داشته است و اکنون جا دارد که با یاد آوری و اشاره به یکی از مهمترین این درسها، این روز بزرگ و فراموش نشدنی را گرامی بداریم.

تجربه سقوط شاه یکبار دیگر بوضوح نشان داد که رژیم های استبدادی و ضد مردمی، تا آخرین لحظات حیات خود با اختناق و سرکوب حکومت می‌کنند. تجربه انقلاب ایران و قیام ۲۲ بهمن این حقیقت را به اثبات رساند که مرتضیعین و مستبدین هیچگاه به دلخواه خود دست از ستم و سرکوب توده های مردم نمی‌کشند و تا واپسین دم حیات خویش دربرابر مردم زحمتکش و خواسته ای انقلایی - دمکراتیک آنها مقاومت می‌کنند. این تجربه بار دیگر این موضوع را مدلل ساخت که رژیم های استبدادی از قمash رژیم شاه و کسانی که در راس این رژیم ها قرار می‌گیرند، هیچگاه به میل خویش، حق مردم را برای آزادی زیستن و برای برپانی یک زندگی شرافتنده و انسانی به رسمیت نمی‌شناسند. توده های مردم نیز از این تجربه، آموختند که کسی از مستبدین و پاییمال کنندگان آزادیهای سیاسی، به آنها آزادی نمی‌دهد. آنان دریافتند که آزادی دادنی نیست بلکه گرفتنی است و از طریق مبارزه قاطع با رژیم استبدادی است که میتوان آزادیهای سیاسی را به کف آورد.

در آستانه بیستمین سالروز قیام ۲۲ بهمن، بکوشیم تا با آموزش از این تجربه، مبارزه قاطع خویش علیه استبداد مذهبی حاکم بر ایران را گسترش دهیم و این رویداد مهم تاریخی را، با تشدید مبارزه جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، گرامی بداریم.



مرکز تحقیقات تهران، میزان آزادگی در برخی از بخش های کارخانه بیش از ۳۰٪ برای حد مجاز استانداردهای جهانی است . . . مسئولان شرکت فقط نظاره گر قریانی شدن کارگران هستند . . . ». ۸۰۰ کارگر کارخانه پاک وش، در پایان نامه خود خواستار آن شد اند تا کار آنجزو مشاغل سخت وزیان آور بحساب آورده شود.



کارگر معدن جان باخت

کنفرانس ششم سازمان ما که یکسال وانمی پیش برگزار گردید، تعییراتی در نام سازمان دادووازه های چریک و خلق رالنام سازمان حذف نمود. همچنین کنفرانس تصمیم گرفت که یک آرم جلیل که بیانگر اعتقادات و خلط مشی سازمان باشد جایگزین آرم گلشته شود. کنفرانس، اجزاء اصلی این آرم را تعیین نمود و تهیه و انتخاب این آرم بر عهده رهبری سازمان گذاشته شد. اکنون این آرم جلیل تهیه شده و انتشار بیرونی می یابد.

آرم جلیل از یک کره زمین تشکیل شده است که یک ستاره سرخ آن را پوشاند. در وسط این ستاره سرخ یک چکش و داس متقاطع به رنگ طلاخی جای گرفته است. نام سازمان در اینین که بشکل مورب آمده است. این آرم، بیانگر اعتقادات کمونیستی و انتنسیونالیستی سازمان ماست.

اکنون دیگر ملتهاست که داس و چکش و ستاره پنج پر، بعنوان سمبول اعتقادات کمونیستی و انتنسیونالیستی احزاب و سازمانهای کمونیست شناخته شده است.

در آرم سازمان ما، چکش بیانگر خصلت طبقاتی کارگری سازمان ما، اهداف و رسالت این طبقه و اعتقاد مباری است. تقریر یک حکومت کارگری است. دلی ای که بشکل متقاطع همراه چکش آمده است، حاکی از اعتقاد ما به ضرورت وحدت کارگران با دهقانان زحمتکش در میازده اکنون دیگر در ایران نیز همانند تقیبا عموم کشورهای جهان، دیگر دهقانان بصورت یک طبقه وجود ندارند، و به اقسام مختلفی تجزیه شده اند. در ایران، هنوز دهقانان قبیروز حکمکش یک جمعیت وسیع را تشکیل میهند، و منظور مالز اتحاد، همان اتحاد کارگران صنعتی با کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر روز حکمکش است.

ستاره سرخ سمبول اعتقادات و نگرش انتنسیونالیستی سازمان ما و ضرورت وحدت کارگران سراسرجهان برای سرنگونی نظام سرمایه داری است. از دیدگاه ما، طبقه کارگر در تمام ۵ قاره جهان، دارای اهداف و مسافع واحد و مشترک است، دشمن واحدی دارد و درکل یک طبقه واحد جهانی را تشکیل میهند، از اینرو وحدت مبارزاتی کارگران ۵ قاره جهان که سمبول آن ستاره پنج پر استو یک انقلاب جهانی سرخ کارگری، برای سرنگونی نظام طبقاتی سرمایه داری و ایجاد جامعه کمونیستی، امری ضروری، حیاتی و اجتناب ناپذیر است.

این آرم با این مختصات، از این پس، آرم رسمی سازمان مالیت و دراستناد و مطبوعات سازمان از آن استفاده خواهد شد و بربرجم سرخ سازمان حک خواهد شد.

روز سه شنبه چهارم آذرماه، کارگری در معدن ذغال سنگ ججدک کرمان برای اصابت بیل مکانیکی به ناحیه کمرش، جان خود را لاید داد. این کارگر که محمد رضا طالبی نام داشت و ۲۲ ساله بود، در حین خاک برداشی با بیل مکانیکی که مشغول جلو راندن ریل موقع دستینل ذغال سنگ بود، برخورد کرده ویشدت از ناحیه کمر آسیب دید. این کارگر جوان که پس از چند ساعت تاخیر و سهلانگاری مسئولین معدن به بیمارستان منتقل گردید، جان خود را لاید داد.

نامه اعتراضی کارگران کارخانه پاک وش

۸۰۰ تن از کارگران کارخانه پاک وش در شهر صنعتی کاوه سار، در نامه اعتراض آمیزی که به روزنامه کاروکارگر نوشتند و بخش هایی از آن در شماره نهم آذرماه این روزنامه بچاپ رسید، ضمن بیان برخی از مشکلات خود، نسبت به شرایط غیر بهداشتی و نامن محيط کار خیش اعتراض کردند. هرچند که روزنامه کاروکارگر این نامه را سانسور کرده و از درج کامل آن خودداری نمود، معهدا همان بخش هایی از نامه که در لین روزنامه درج شده است نیز پده از روی وضعیت اسف بار ویغایت خطوط اکسیژن کارگران این کارخانه که تولید کننده پودر میباشد و کارگران با مواد شیمیائی سروکار دارند، بر میلاره. این نامه در عین حال بی حقوقی کارگران و ظلم و مستمری را که در حق آنها اعمال میشود، به نمایش میگارد. کارگران در نامه خود از جمله چنین نوشتندند:

«کارخانه پاک وش کاریش را لیز سال ۵۸ آغاز کرد و پس از ۱۹ سال هنوز سیستم تهییه صنعتی ندارد . . . که ما چیست که باید دانما با مرگ دست وینجه نرم میکیم . . . در تبریز، کارگری که مشغول بازرسی قسمت تحتانی موتور بولیوزر بود، برای سقوط کمپچه بولیوزر زیر آن ماند و درگاکشته شد.

* کارگر آهنگری که بمنظور احداث سایبان به پشت بام رفته و در حال نصب ایرانیت بود، به پاشین سقوط کرد و دردم جان باخت.

* یک کارگر ۲۰ ساله هنگامی که با دستگاه آبگیر ریوی، آسم و عصی رنچ میبرند و هر روز کارشان اعزام از این بیمارستان به آن بیمارستان شده است، ۱۲۰ نفر بیمارانه و روز بیمارانه تعداد بیماران افزوده میشود و مدلایی آنان نیز بر اساس نظر پزشکان بسیار دشوار میباشد و در برخی موارد غیر ممکن . . . کارگران در نامه خود همچنین اضافه کرده اند که «طبق نظریه کارشناسان

صفحه ۱۲

کمکهای مالی خود را به شماره حساب پانکی زیر واگیز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به آدرس سازمان ارسال نمایید.

**I.W.A.
6932641 Postbank
Holland**

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به آدرس زیر پست کنند.

**Postfach 5312
30053 Hannover
Germany**

E-Mail: پست الکترونیک

info@fadaaii-minority.org **http://www.fadaaii-minority.org**

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 310, feb1998

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق